



## سؤالات کنکور عربی سال ۱۴۰۰

## سوالات عربی رشته ریاضی سال ۱۴۰۰

□ □ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية:

## ۱. «أرسلنا إلى فرعون رسولا، فقصى فرعون الرسول»:

- (۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد.
- (۲) به سوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.
- (۳) رسولی به سوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد.
- (۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد.

## ۲. «الصدق كصحة الإنسان، لا يمكن أن تدرك قيمته إلا عندما يفقد!»:

- (۱) صدق همان سلامتی انسان است، فقط زمانی که از دست برود قدر آن دانسته می‌شود!
- (۲) صداقت مانند سلامتی انسان است، تا زمانی که از دست نرود امکان ندارد ارزش آن درک شود!
- (۳) راستی همان صحت بدن انسان است، ارزشش درک نمی‌شود مگر آن‌گاه که آن را از دست بدهد!
- (۴) درستی همچون سلامت بدن انسان است، نمی‌توان قدر آن را دریابی مگر زمانی که از دست برود!

## ۳. «إن ذهبنا من نفس الطريق الذي كنا نذهب منه من قبل، وصلنا إلى ذلك المكان الذي كنا نصل إليه دائماً!»:

- (۱) اگر از راهی برویم که همیشه می‌رفتیم، به آن مکانی می‌رسیم که قبلاً رسیده‌ایم!
- (۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می‌رسیدیم رسیده‌ایم!
- (۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می‌رسیدیم، می‌رسیم!
- (۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل می‌رفتیم، به همان مکانی می‌رسیم که همیشه می‌رسیدیم!

## ۴. «من يؤمن بأنه سينجح في طريقه، لاشك أنه قد استطاع أن يوصل نفسه إلى نصف الطريق!»:

- (۱) هر کس ایمان داشته باشد که او در راهش پیروز خواهد شد، شکی نیست که خودش می‌تواند به نیمه راه برسد!
- (۲) آن‌کس که ایمان داشت که در آینده در راه خود موفق خواهد شد، حتماً خود توانسته است به اواسط راه برسد!
- (۳) کسی که ایمان داشته باشد به این‌که در راهش موفق خواهد شد، بی‌شک توانسته است خود را به نیمه راه برساند!
- (۴) هر آن‌کس که ایمان دارد به این‌که در مسیرش پیروز خواهد شد، قطعاً خواهد توانست که خود را به اواسط مسیر برساند!

## ۵. «الاحتفاظ بالوحدة فضلٌ لأمتنا المفكِّرة، ولكن الأعداء يُشجعون عملاءهم أن يُفَرِّقونا!»:

- (۱) حفظ وحدت، برتری برای امت متفکر ماست، که دشمنان مان عوامل خود را به پراکنده ساختن ما تشویق می‌کنند!
- (۲) حفظ وحدت برای امت متفکر ما فضیلتی است، ولی دشمنان، مزدوران خود را تشویق می‌کنند که ما را پراکنده کنند!
- (۳) نگه داشتن وحدت امت اندیشمندان، فضیلتی است که دشمنان ما مزدوران را تشویق می‌کنند ما را پراکنده سازند!
- (۴) نگه داشتن وحدت برای امت ما که اندیشمند است فضلی به‌شمار می‌آید، ولی دشمنان عوامل خود را تشویق به پراکنده شدن ما می‌کنند!

## ۶. «من يرى الناس صغارا، كالذي هو واقف على قمة الجبل، يراه الناس صغيراً أيضاً»:

- (۱) آن‌که مردم در نظرش کوچکند، مثل کسی است که بر قله‌ای از کوه ایستاده، او هم در نظر مردم کوچک می‌نماید!
- (۲) هر کس مردم را کوچک دید، همچون کسی است که بر قله‌ای در کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌بینند!
- (۳) کسی که مردم را کوچک می‌بیند، چون کسی است که بر قله کوه ایستاده، مردم نیز او را کوچک می‌بینند!
- (۴) هر آن‌که مردم را کوچک انگاشت، همان کس است که روی قله کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌انگارند!

## ۷. «كان رجال هاتين القبيلتين يَنْهَبون أموال النَّاس من طريق ذلك المضيق حتَّى أغلق بسدَّ عظيم من الحديد و النحاس المذاب»:

- (۱) مردان این دو قبیله اموال مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌بردند تا این‌که با سدّ بزرگی از آهن و مس ذوب‌شده، بسته شد.
- (۲) مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا این‌که به وسیله سدّ بزرگی از آهن و مس مذاب بسته شد.
- (۳) بزرگان این دو قبیله دارایی‌های مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌بردند تا این‌که با سدّی بزرگ از مس و آهن آب شده بسته شود.
- (۴) بزرگان آن دو قبیله دارایی‌های مردمان را از طریق آن تنگه غارت می‌کردند تا این‌که به وسیله سدّی بزرگ از مس و آهن آن را بستند.

## ۸. عین الصحیح:

- (۱) کان صدیقی آلف کتاباً توجّد فيه قصص مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد. در آن داستان‌های مفیدی می‌یابی!
- (۲) للاعبی المباراة وقت محدّد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!
- (۳) اللهم اجعلنا ممن یتوبون إلیک فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می‌کنند و آن‌ها را می‌پذیری!
- (۴) إن لم یتعایش الناس بعضهم بعضاً فلا سبیل لتقدّم بلدهم: مردم باید با یکدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

## ۹. عین الخطأ:

- (۱) بالحلم عن السفیه یكثرُ الأنصارُ: بردباری بر نادان یاران را زیاد می‌کند!
- (۲) سیأتي الغدُ بکثیر ممّا لا تعرفون: فردا بسیاری از آنچه را نمی‌دانید، خواهد آورد!
- (۳) الله الَّذی ینصر المُجاهدین و هم قلیلون: خدا کسی است که مجاهدان را با این‌که اندکند یاری می‌کند!
- (۴) یوجدُ التّفطُّ تحت طبقاتِ الأرض بعد مرور قرونٍ: نفت زیر طبقات زمین بعد از گذشتن قرن‌ها یافت می‌شود!

## ۱۰. «کشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می‌کرد». عین الصحیح:

- (۱) شاهدتُ فلاحاً و هو یجمع محصوله.
- (۲) شاهدتُ فلاحاً و هو یجمع المحصول.
- (۳) رأیتُ الفلاح و هو یجمع محصولاً.
- (۴) رأیتُ الفلاح و هو یجمع المحصول.

## □□ إقرأ النّص التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّص:

الإنسان المثاليّ الَّذی یسعی للمجد هو الإنسان الَّذی ینظر إلى العالم کساحة لا یُرى فيها إلاّ الحركة و النشاط، حیث إنّ الرخوة و الشکون یساویان الموت! و كذلك إنّ کلّ من فی الوجود إذا أراد النّصر و الطّفّر مُلزم بمواجهة العالم کمجموعة فیها نزول و صعود لا حيلة منهما و لا یمكن اختیار أحدهما دون الآخر!

فإنّ المصاعب الّتی تقع فی سبیل الطالب - علی سبیل المثال - هی الّتی تقع قلیلاً أو کثیراً أو مشابهاً فی سبیل الآخرین. فمن کانت نفسه مُتّسعة تقبل الحیاة بما فیها من دون ضجر، و لکن من کانت الحیاة أكبر منه و الّذی صغّر شأن نفسه فالحیاة تتغلّب علیه، فحیث یعیش هذا الإنسانُ مایوساً یلعن الآخرین بحجّة أنّهم لم یكونوا فی سبیل قضاء حوائجهم!

## ۱۱. عین الصحیح:

- (۱) الحیاة تواجه أبناء البشر مواجهة متشابهة!
- (۲) مقدار المصاعب یتساوی فی جمیع أبناء البشر!
- (۳) الرّخوة و التّزول و الصّعود ممّا لا حيلة منها أبداً!
- (۴) المایوس یعیش و هو یفکر فی قضاء حوائج الآخرین!

## ۱۲. عین الصحیح:

- (۱) إنّ التّزول و الصّعود من أسباب الإنسان المثاليّ للوصول إلى المجد!
- (۲) من کانت نفسه متّسعة فلا یرى المصاعب إلاّ فی طریقہ فقط!
- (۳) لا مصاعب إلاّ فی طریق الإنسان المایوس!
- (۴) لا یشعر بالسوء من یقبل الحیاة بما فیها!



### ١٣. من هو الإنسان الذي مرافقه النَّصْرُ و الظَّفَرُ؟ عَيِّن الخطأ:

- (١) من تتغلب الحياة عليه!  
 (٣) من لا يفكر فقط بوقوع ما يحبه!  
 (٢) من لا يرى الحياة بوجه واحد فقط!  
 (٤) من يرى أنّ النشاط هو من السنن الإلهية!

### ١٤. عَيِّن ما هو الأنسب للعبارة التالية:

- «إنّ المصاعب التي تقع في سبيل الطالب هي التي تقع في سبيل الآخرين».  
 (١) النَّجَاح وَقَفَّ على من لا ينام!  
 (٣) الدَّهر يومان يوم لك و يوم عليك!  
 (٢) لعلَّ العُسر يُصبح يُسرًا في الغد!  
 (٤) الدُّنيا محفوفة بالبلايا! (محفوفة: مستورة)

### □ عَيِّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي

#### ١٥. «كانت»:

- (١) فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث الغائب / من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»  
 (٢) فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث / فعلٌ من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط  
 (٣) ماضٍ - للمفرد - حروفه الأصلية ثلاثة / فعل من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»  
 (٤) ماضٍ - للمؤنث - له ثلاثة حروف أصلية / من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطية

#### ١٦. «صَغَّرَ»:

- (١) ماضٍ - للمفرد الغائب - له حرف واحد زائد - معلوم / فعل و مفعوله «شأن»  
 (٢) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - مصدره على وزن تفعيل - معلوم / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية  
 (٣) فعل ماضٍ - له حرف زائد و مصدره «تصغير» على وزن تفعيل / فعل و فاعل، و الجملة فعلية  
 (٤) فعل ماضٍ - له حرف واحد زائد، و مصدره على وزن «تفعل» / فعل و فاعل، و الجملة فعلية

#### ١٧. «الطالب»:

- (١) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله: طَلَب) - معرّف بأل / مضاف إليه للمضاف «سبيل»  
 (٢) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله: طَلَب، و مصدره: مطالبة) / مضاف إليه  
 (٣) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله «طلب» بدون حرف زائد) - معرّف بأل  
 (٤) اسم - مفرد - اسم فاعل (من فعل «طلب» و اسم مفعوله: مطلوب)

### □ □ عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

#### ١٨. عَيِّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) العِلْمُ نوْرٌ و ضياءٌ يَقْدِفُهُ اللهُ في قُلُوبِ أوليائِهِ.  
 (٣) عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الكَهْرَباءِ في اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ في الظُّلامِ. (٤) في يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ شاهدٌ جماعةٌ مِنَ المُسافِرِينَ واقِفِينَ أمامَ المَسْجِدِ.  
 (٢) رَبِّ كَتَّابٍ تَجْتَهِدُ في قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لا تَحْضِلُ على فائِدَةٍ مِنْهُ.

#### ١٩. عَيِّن الخطأ:

- (١) أَسْرَى: تحرّك ليلاً (لاصباحاً)!  
 (٣) الغيم: نوع من السحاب لا ينزل منه إلا المطر!  
 (٢) المستنقع: مكان فيه مياه و رائحة مياهه كريهة!  
 (٤) الفريق: جماعة من الناس الذين لهم هدف واحد!

#### ٢٠. عَيِّن الخطأ عن تعيين الساعة: الثانية عشرة إلا ربعاً:

- (١) ١١/٥٤  
 (٣) ١١ و ٥٣ دقيقة  
 (٢) الحادية عشرة و خمس و أربعون دقيقة  
 (٤) ٢١ إلا خمس عشرة دقيقة

#### ٢١. عَيِّن ما فيه «اسم التفضيل» أكثر:

- (١) أعوذ من الشرور بأحسن الخالقين!  
 (٣) أحبُّ أوسط الأمور لأنّها خير الأعمال!  
 (٢) أشرف الناس من يكون رؤوفاً للأسرة!  
 (٤) أفضلكم من هو ألين و أطف للآخرين!

**٢٢. عَيْن ما فيه لام الأمر:**

- (١) عند مشاهدة آثار قدرة الله ليخشع القلب!  
(٢) ساعد أصدقاءك ليخرجوا من مشاكلهم بسهولة!  
(٣) يجب على الإنسان كثير من المحاولات ليصلح نفسه!  
(٤) ذهب صديقي إلى متجر آخر ليشتري سروالاً أرخص!

**٢٣. عَيْن ما فيه «نون الوقاية»:**

- (١) إنَّ البلبِل يُعْنِي حتَّى إذا كان في القفس!  
(٢) سينفعني غداً كلُّ ما أتعلّم اليوم!  
(٣) لا تحزنى إنَّ الله يساعدك في هذه المسألة!  
(٤) هذا الرّجل يبني بيته في حديقة خارج المدينة!

**٢٤. عَيْن «ما» شرطية:**

- (١) ما تتعلّمه من العلوم المختلفة تُبْعِدك عن الجهالة!  
(٢) ما نبتت الأشجار الخائقة في بلدنا لأتّها أشجار إستوائية!  
(٣) ما وجدت في ذلك الكتاب الذي أثار في نفسك بعد قرائته!  
(٤) ما من صابر يصبر على المشاكل إلّا و هو يحصل على التّجّاح!

**٢٥. عَيْن ما ليس فيه المفعول المطلق:**

- (١) إن أكرمت الكريم إكراماً بالغاً تشاهد نتيجته!  
(٢) أدّب المؤمن نفسه قبل تعليم غيره تأديباً جميلاً!  
(٣) كان عشّ بعض الطيور بعيداً كثيراً عن المفترسين!  
(٤) رغب المسافرون أن يسكنوا في ذلك المكان رغبةً كثيرةً!



## سوالات عربی رشته تجربی سال ۱۴۰۰

□ □ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية:

**۲۶. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾:**

- (۱) همانا الله چیزی را که در دل قوم وجود دارد دگرگون نمی‌کند مگر وقتی که درون خویش را دگرگون کنند!
- (۲) قطعاً الله در آنچه در اقوام وجود دارد تغییر ایجاد نمی‌کند مگر زمانی که آنچه در دل‌هایشان هست تغییر کند!
- (۳) همانا خداوند آنچه را در قومی هست تغییر نمی‌دهد تا این‌که آنچه را در دل‌های خود دارند تغییر دهند!
- (۴) قطعاً خداوند چیزی را که در دل اقوام هست دگرگون نمی‌سازد مگر این‌که ابتدا دل‌های خود را دگرگون نمایند!

**۲۷. «إِذَا كُنْتَ وَاثِقًا بِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشَجِّعَ الْآخِرِينَ عَلَىٰ أَنْ يَكُونُوا وَاثِقِينَ بَأَنْفُسِهِمْ!»:**

- (۱) هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می‌توانی دیگران را به این‌که از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!
- (۲) اگر به خود اعتماد داشته باشی، می‌توانی دیگران را تشویق کنی به این‌که به خود اعتماد داشته باشند!
- (۳) زمانی که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این‌که به خود بااعتماد باشند، ترغیب می‌کنی!
- (۴) اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این‌که به نفس‌های خودشان اطمینان داشته باشند!

**۲۸. «فِي الْحَيَاةِ الْفَرْدِيَةِ مِنَ الْجَمِيلِ جَدًّا أَنْ تَجْعَلَ عَدُوَّكَ صَدِيقًا، وَ الْأَجْمَلَ أَلَّا يَتَسَعَ قَلْبُكَ لِلْعَدَاوَةِ!»:**

- (۱) در زندگی شخصی زیباست جدّاً که دشمنت، دوست گردد و زیباتر است که قلبت برای دشمن شدن، فراخ نگردد!
- (۲) بسیار زیباست که در زندگی شخصی، دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر این‌که قلبت برای دشمنی فراخ نشود!
- (۳) بسیار زیباست که در زندگی شخصی دشمنت را، دوست قرار بدهی، و زیباتر این‌که قلب خود را برای دشمنی گسترده نکنی!
- (۴) زیباست که در زندگی شخصی از دشمن خود دوست بسازی، و زیباتر است که قلب خود را برای دشمن شدن، گسترش ندهی!

**۲۹. «مَا قَلَّ عَدَدُ الْأَشْخَاصِ الْمُخْلِصِينَ الَّذِينَ نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْتَعِينَهُمْ حَتَّىٰ نَجِدَ طَرِيقًا بِسَهُولَةٍ!»:**

- (۱) کم نشده است تعداد افراد بااخلاص که بتوانیم از آن‌ها یاری بجویم تا راه خود را به راحتی بیابیم!
- (۲) چه کم‌اند افرادی که مخلص باشند و بتوانیم از آن‌ها یاری بخواهیم تا راهی آسان برای خود پیدا کنیم!
- (۳) کم نبوده است افراد مخلصی که می‌توانستیم از آن‌ها یاری بخواهیم تا این‌که راه آسان خود را پیدا کنیم!
- (۴) کم نیست تعداد اشخاص با اخلاصی که می‌توانیم برای یاری جستن به آن‌ها روی آوریم تا راه خویش را راحت بیابیم!

**۳۰. «بَدَأَ إِخْوَانِي الْمَزَارِعُونَ يَحْصِدُونَ الزَّرْعَ بِأَلَّةٍ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سَنٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ»:**

- (۱) برادران کشاورزم با وسیله‌ای که دارای دسته‌ای چوبی و دندانه‌ای پهن از آهن است، شروع کردند کشت را درو کنند.
- (۲) برادرانم که کشاورز هستند زراعت را با وسیله‌ای که دسته‌اش چوبی و دندانه‌های پهنش آهنی است درو می‌کنند.
- (۳) برادرانم که کشاورزند درو کردن زراعت را با وسیله‌ای که دسته‌ای چوبی داشت و دندانه‌های پهنش از آهن بود شروع نمودند.
- (۴) برادران کشاورزم با وسیله‌ای که دارای دسته‌ای چوبی و دندانه‌هایی پهن از جنس آهن بود، شروع به درو کردن کشت نمودند.

**۳۱. «عَيُونَ الْخَفَّاشِ يَفْتَحُهَا ظِلَامُ اللَّيْلِ عِنْدَمَا يُبْسِطُ عَلَىٰ كُلِّ الْأَشْيَاءِ، وَ تُغْلِقُهَا ضِيَاءُ الشَّمْسِ الَّتِي نَجِدُ طَرِيقًا بِنُورِهَا!»:**

- (۱) با تاریکی شب که بر همه چیز گسترده است چشمان خفّاش باز می‌شود، و نور خورشید که با روشنی آن راه خود را می‌یابیم آن‌ها را می‌بندد!
- (۲) تاریک بودن شب که بر همه چیزها گسترده است چشمان خفّاش را باز می‌کند، و روشنی خورشید که نورش هدایت‌مان می‌کند آن‌ها را می‌بندد!
- (۳) چشمان خفّاش را تاریکی‌های شبانه که بر همه چیز گسترده می‌شود باز می‌نماید، و روشنایی خورشید که به وسیله نور آن هدایت می‌یابیم آن‌ها را می‌بندد!
- (۴) چشمان خفّاش را تاریکی شب هنگامی که بر همه چیزها گسترده می‌شود باز می‌کند، و نور خورشید که با روشنایی آن راه خود را می‌یابیم آن‌ها را می‌بندد!

**٣٢. «هناك أشجارٌ تعيش بالالتفاف حول جذور و جذوع الأشجار الأخرى و تنمو بحنق الآخرين»:**

- (١) درخت‌هایی وجود دارند که با پیچیدن اطراف ریشه و تنه درخت‌های دیگر زندگی کرده و با خفکان بقیه رشد کرده‌اند!
- (٢) درخت‌هایی هستند که دور ریشه و تنه دیگر درخت‌ها پیچیده زندگی و رشد می‌کنند در حالی که برای بقیه خفکان می‌آورند!
- (٣) درختانی وجود دارند که با پیچیدن دور ریشه‌ها و تنه‌های درختان دیگر زندگی می‌کنند و با خفه کردن دیگران رشد می‌کنند!
- (٤) آن‌جا درختانی با در بر گرفتن ریشه‌ها و تنه‌های درختان دیگر زندگی می‌کنند و رشد می‌نمایند در حالی که دیگران را خفه می‌کنند!

**٣٣. عین الخطأ:**

- (١) لا تزول ظلمات الجهل إلا بمصابيح العلم: تاریکی‌های جهل فقط با چراغ‌های علم از بین می‌رود!
- (٢) ما إمتنع الطفل أن يأكل الطعام الذي قد طبخته الأم: کودک امتناع نکرد غذایی را که مادر پخته، بخورد!
- (٣) تلقيب الآخرين بما يكرهون عملٌ قبيح: لقب دادن دیگران به آن‌چه ناپسند می‌دانند کار زشتی است!
- (٤) يُقَطع التّواصل بين الأصدقاء بالغيبة والاستهزاء: ارتباط بین دوستان را غیبت و مسخره کردن قطع می‌کند!

**٣٤. عین الخطأ:**

- (١) إجعل فشلك بدايةً جديدةً لنجاحك: شکستت را آغازی نو برای موفقیت خود قرار بده!
- (٢) إذا عزمّت أن تبدأ عملاً فإنك قد قطعت نصف الطريق: هر گاه تصمیم به انجام دادن کاری گرفتی، نیمی از راه را پیمودی!
- (٣) إن استطعت أن تملأ دقائق حياتك بالعمل المفيد نجحت: اگر بتوانی دقایق زندگی خود را با عمل مفید پر کنی، موفق می‌شوی!
- (٤) طلب التلاميذ من المدير أن يُوجّل الامتحانات لأسبوعين آخرين: دانش‌آموزان از مدیر خواستند که امتحانات را برای دو هفته دیگر به تأخیر بیندازد!

**٣٥. «پرندۀ باهوش تظاهر کرد که بالش شکسته است». عین الصحيح:**

- (١) يتظاهر الطائر الذكي بأن جناحه مكسور. (٢) يتظاهر الطائر الذكي بأنه مكسور الجناح.
- (٣) يتظاهر طائر ذكي أن الجناح له مكسور. (٤) يتظاهر طائر ذكي أنه مكسور في الجناح.

**□ □ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:**

تَعتمد المليارات من الناس في جميع أنحاء العالم، خاصّةً في أفقر دول العالم، على المُحيطات و البحار فإنّها مؤثّرة بشكل أساسي في إيجاد فرص العمل و كذلك الحصول على الغذاء و الاحتياجات اليومية. إنّ البلاد المُجاورة لهذه النعمة الكبرى تستفيد منها بأشكالٍ مُختلفة في مجال تنمية اقتصادها و نموّها؛ فإنّها إضافةً إلى أنّها مصادِر من النعم الغذائية و غيرها فهي فرصةٌ ذهبيةٌ لجذب السوّاح و المُسافرين من جميع بلاد العالم للتفرّج و التلذّذ. و الأمر الجدير بالذكر هو أنّ النّقل البحري أصبح الآن أحد طرق الاتّصال الأساسيّة بين البلاد، فلذلك يُعدّ من عوامل تنشيط الإقتصاد. و أخيراً ما تجب مُراعئها هي أنّ البحار ليست مكاناً للتّفايات فإنّ عدم رعايته هذا الأمر يُسبّب هلاكة الإنسان بيده!

**٣٦. عین ما لم يُذكر في النص:**

- (١) أثر البحار في الهواء النقي.
- (٢) البحار و أثرها على إملاء ساعات الفراغ.
- (٣) حياة النَّاس و أثر البحار عليها.
- (٤) أثر البحار في توصل البلاد بعضها بعضاً.

**٣٧. عین ما ليست من فوائد البحار:**

- (١) إيجاد منظمات للنّقل.
- (٢) هي أماكن لنفاية المصانع.
- (٣) تأسيس الشّركات الغذائيّة.
- (٤) شواطئها أماكن للاستراحة.

**٣٨. كيف يقتل الإنسان نفسه؟**

- (١) بتلويث مياه البحار
- (٢) بعدم تنمية اقتصاد بلاده بالبحار
- (٣) بالاستفادة من التّفايات
- (٤) بإلقاء ما بقي من طعامه في البحر

**٣٩. العنوان المناسب للنص هو .....**

- (١) مصادر البحار الغذائيّة
- (٢) أهميّة البحار
- (٣) أثر التّفايات في البحار
- (٤) النّقل البحري



### □ عین الخطأ في الإعراب و التحيل الصرفي:

#### ٤٠. «تعتمد»:

- (١) فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية و هي «ع م د» و ماضيه «اعتمد» على وزن افتعل
- (٢) مضارع - للمؤنث الغائب - مصدره «اعتماد» / فعل و فاعله «المليارات» و الجملة فعلية
- (٣) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «ع ت م» و مصدره «اعتماد» على وزن افتعال / فاعله «المليارات»
- (٤) مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - له حرفان زائدان، ماضيه «اعتمد» و مصدره «اعتماد» على وزن افتعال

#### ٤١. «أصبح»

- (١) فعل ماضٍ - للغائب - من الأفعال الناقصة بمعنى «صار» - حرفه الزائد: الهمزة
- (٢) فعل ماضٍ - من الأفعال الناقصة بمعنى «كان» وزنه «أفعل» و مصدره «إفعال»
- (٣) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - له حروف ثلاثة أصلية و حرف واحد زائد، مصدره «إصبح»
- (٤) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - على وزن «أفعل» و وزن مصدره: إفعال - له حرف واحد زائد

#### ٤٢. «أفقر»:

- (١) مفرد مذكر - اسم تفضيل - مجرور بحرف الجر؛ في أفقر: جار و مجرور
- (٢) اسم - اسم تفضيل (جمعه على وزن «أفاعل») - فعله: «فقر» و مصدره: «فَقَّر»
- (٣) مفرد مذكر - اسم تفضيل (بمعني «ترين» و هو مضاف) - مجرور بحرف الجرّ «في»
- (٤) اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل (مؤنثه على وزن «أفعله» و جمعه على وزن «أفاعل»)

### □□ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

#### ٤٣. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) أَمَّتِي أَنْ أَتَشَرَّفَ مَعَ جَمِيعِ أَعْضَاءِ الْأُسْرَةِ لِزِيَارَةِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.
- (٢) يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَبِيًّا عَلَى قَدْرِ عَقُولِ الْمُسْتَمْعِينَ لِكَيْ يُقْنِعَهُمْ.
- (٣) عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ إِنْقَاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَغْتَةً.
- (٤) أَمَرَهُمْ ذَوَالْقُرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النَّحَاسِ فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ.

#### ٤٤. عین الصحيح عن المفردات:

- (١) من تَوَلَّمه رَجُلُه لا يقدر الصعود إلى القمّة. (جمع) ← رجال، قمم
- (٢) هَوَاةُ كُرَةِ الْقَدَمِ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَلْعَبِ. (متضاد) ← راغبون، ينتشرون
- (٣) هو من أَهَمَّ الْكُتَّابِ على رغم ظروفه القاسية. (مفرد) ← كتاب، ظرف
- (٤) بعد ذلك جاء بهدايا كثيرة فرفضها الملك. (المترادف) ← أتى بـ، لم يقبل

#### ٤٥. عین الخطأ عن المفهوم:

- (١) الزَّرْع: مكانٌ يَعْمَلُ الفُزْرَاعُ فيه!
- (٢) زَرَع: جعل البذور تحت التراب!
- (٣) الفُزْرَاع: من يَزْرَعُ شيئاً في الأرض ثم يحصده!
- (٤) المَزْرَاع: الأراضي التي زُرِعَ فيها الزَّرْع، و الزارِعُ يحصده!

#### ٤٦. عین ما فيه اسم التفضيل:

- (١) لا خَيْرَ لَنَا فِي مُصَاحَبَةِ الْإِنْسَانِ الْكَذَّابِ!
- (٢) ما تُفَدِّمُوا لأنفسكم من خَيْرٍ تجدوه عند الله!
- (٣) جَهَّزْ نَفْسَكَ لِشَرِّ الْأَشْيَاءِ وَ عَلَيْكَ أَنْ تَرْجُو خَيْرَهَا!
- (٤) جَعَلَ اللَّهُ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ خَيْرًا إِنَّ لَمْ يُبَدِّلْهَا إِلَى شَرٍّ!

#### ٤٧. عین ما ليس معادلاً للماضي الاستمراري في الفارسية:

- (١) كان التلاميذ يقذفون الكرة حتى تدخل المرمى!
- (٢) كان ذلك الكتاب يضم الكلمات الفارسية و العربية!
- (٣) كان أبي يأمرني بمداواة الناس كما يأمرني بأداء الفرائض!
- (٤) كان طعم البرتقال الذي ينبت في شمال إيران لذيذاً!



#### ٤٨. عيّن «لا» لنفي الجنس:

- (١) سيأتي يومٌ لا ينفعنا مالٌ و بنون فعلينا أن نجمع الخيرات لأنفسنا لذلك اليوم!
- (٢) إن كنت مع الله فلا تحزن أبداً و لا تضلّ عن صراطه و لا تفقد محبته!
- (٣) اصطدم إطار سيارتي بشيءٍ حادّ فانفجر و لا إطار احتياطيّ عندي!
- (٤) هل تنسى أن تذكر نعمة ربك؟ لا أنا لست من الغافلين!

#### ٤٩. عيّن «ما» تختلف في المعنى:

- (١) ما أفنّع المتكلّم المُستمعين مع أنّ كلامه ليّن!
- (٢) ما قطعْتَ كلامَ معلّمي حتّى يفرغَ من الكلام!
- (٣) ما استخدمَ المُزارعُ السيّاحَ إلّا لحماية مَحصيئه!
- (٤) ما أجمل الصّفّ الذي يُحبّ المعلّم التلاميذَ و يُحبّونه!

#### ٥٠. عيّن ما فيه الحصر:

- (١) لا يقدر أحدٌ صعود الجبل المرتفع إلّا الإنسان القوي!
- (٢) ما نال هذا الشّاعرُ الجوائزَ بعد إنشاده إلّا جائزة ثمينة!
- (٣) لا تُنقلُ إلى موقفِ تصليحِ السيّاراتِ إلّا سيّارة معطّلة!
- (٤) لا نشترى الفاكهة اليوم إلّا نوعاً واحداً منها و هو التفّاح!





## سوالات عربی رشته انسانی سال ۱۴۰۰

□□ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية:

۵۱. ﴿وَمَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾

- ۱) هر چه از نیکی‌های خود پیش بفرستید آن‌ها را نزد الله می‌یابید!
- ۲) آنچه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید آن‌ها را نزد الله باز می‌یابید!
- ۳) آنچه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می‌یابید!
- ۴) هر چه را از نیکویی به خودتان تقدیم کنید آن‌ها را در نزد خداوند باز می‌یابید!

۵۲. «رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلَّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءِ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدْ مَلَكَتَ!»

- ۱) چه بسا بتوانی با ظلم هر چه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آنچه را مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!
- ۲) چه بسا توانسته باشی بوسیله ظلم هر چه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آنچه را کسب کرده‌ای، از دست خواهی داد!
- ۳) شاید توانایی داشته باشی با ظلم همه آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است، از دست می‌دهی!
- ۴) شاید قادر باشی بوسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری بدست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!

۵۳. «قَدَّمَ لِي صَدِيقِي هَدِيَّةً فِي الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ كَانَتْ قِيَمَةً، وَأُرْشَدْتَنِي إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ!»:

- ۱) هدیه‌ای را که دوستم از حکمت و موعظه‌ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می‌نماید.
- ۲) دوستم به من حکمت و موعظه‌ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوب‌ترین راه هدایت می‌کند.
- ۳) هدیه‌ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راه‌ها هدایت کرد.
- ۴) دوستم هدیه‌ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا بسوی راه خیر هدایت نمود.

۵۴. «لَا يَرْضَى أَخِي أَنْ يَسِبَ مِنْ سَخَطِهِ، وَ مَحَلْمَهُ يُرْضِي اللَّهُ»:

- ۱) برادرم را دشنام دادن به کسی که او را خشمگین کرده خشنود نمی‌کند، و بردباریش خدا را راضی می‌نماید.
- ۲) برادرم را دشنام دادن کسی که او را عصبانی کرده راضی نمی‌کند، و خداوند از بردباریش راضی می‌شود.
- ۳) برادرم رضایت نمی‌دهد که دشنام دهد به کسی که او را عصبانی کرده، و خداوند از بردباریش خشنود می‌گردد.
- ۴) برادرم راضی نمی‌شود به کسی که او را خشمگین کرده است دشنام دهد، و با بردباریش خدا را خشنود می‌سازد.

۵۵. «إِنَّ الْجَهْلَ يُسَبِّبُ أَنْ نَجِدَ طُرُقًا لِقَضَاءِ حَيَاتِنَا تَتَجَلَّى لَنَا سَهْلَةً، وَ لَكِنَّهَا تَنْتَهِي إِلَى الْخَسَارَةِ»:

- ۱) این نادانی سبب یافتن راه‌های سهل‌الوصول برای گذران زندگی می‌شود، لکن به خسارت پایان می‌یابد!
- ۲) نادانی قطعاً مسبب آن است که راه‌های گذران زندگی به شکل ساده در نظرمان جلوه‌گر شود، اما به خسارت بیانجامد!
- ۳) نادانی باعث می‌شود برای گذران زندگیمان راه‌هایی را بیابیم که برایمان آسان جلوه می‌کند، و لکن به خسارت منتهی می‌شود!
- ۴) قطعاً نادانی است که سبب می‌شود راه‌هایی را که برای ما آسان جلوه کرده برای گذران زندگیمان بیابیم، ولی آن راه‌ها به خسارت منجر می‌شود!

**۵۶. «لا يَحْزَنُنِي قَوْلُ الَّذِينَ يَتَكَلَّمُونَ عَنِّي جاهِلِينَ، و أنا أعلمُ جَهْلَهُمْ!»:**

- ۱) قول کسانی که از جهل من سخن می‌گویند و من جهالتشان را می‌دانم، نباید مرا ناراحت کند!
- ۲) سخن آنان که در مورد من حرف می‌زنند در حالی که جاهلند و من به جهلشان آگاهم، ابداً ناراحت نمی‌کند!
- ۳) هیچ‌گاه سخن کسانی که دربارهٔ جهل من حرف می‌زنند حال آنکه من جهالتشان را می‌دانم، ناراحت نمی‌کند!
- ۴) نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می‌گویند مرا ناراحت کند، در حالی که من آگاه به جهلشان هستم!

**۵۷. «عجائب الخلق كثيرة، منها أن هناك أسماكاً لا تُضيء تحت البحار إلا بالضوء المضيء الذي تحت عيونها!»:**

- ۱) عجایب خلقت بسیار است، از جمله ماهی‌هایی که فقط با نور تابناکی که در زیر چشم دارند زیر دریا را نورانی می‌کنند!
- ۲) عجایب زیادی در خلقت است، از جمله ماهی‌هایی هستند که زیر دریاها را نورانی می‌کنند فقط با نوری که زیر چشم‌هایشان هست!
- ۳) شگفتی‌های آفرینش بسیارند، از جمله ماهیانی هستند که فقط با نور روشنی‌بخشی که زیر چشم‌هایشان هست زیر دریاها را روشنی می‌بخشند!
- ۴) شگفتی‌های بسیار در خلقت است، از جمله در ماهیانی است که زیر دریاها را روشنی نمی‌بخشند مگر با روشنایی نوری که زیر چشم‌هایشان موجود است!

**۵۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ:**

- ۱) ما أسرع مَرَّ السنين من العُمر و نحن في غفلة: سال‌های عمر به سرعت می‌گذرد و ما در غفلت هستیم!
- ۲) إذا علمت سَيِّئَةً فاعمل حسنةً حتى تُعَوِّضَ منها: هرگاه کار بدی را انجام دادی کار نیکی انجام بده تا آن را جبران کنی!
- ۳) يصنع الإنسان أشياء تُحوِّل الظلام إلى الضوء: انسان با ساختن اشیائی تاریکی را به روشنائی تبدیل کرده است!
- ۴) إفراز السائل المطهر من لسان القَطِّ جعله حيواناً خاصاً: گربه با ترشح مایع پاک‌کننده از زبانش حیوان خاصی شده است.

**۵۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ:**

- ۱) أنا كتبت مقالتی العمليّة الثالثة في ثمانی صفحات قبل عشرة أشهر: من سومین مقالة علمی خود را ده ماه پیش در هشت صفحه نگاشتم.
- ۲) في المباراة الماضية سجّل فريقنا ستة أهداف و الفريق المقابل ثلاثة: در مسابقه گذشته تیم ما ششمین گل را ثبت کرد در حالی که تیم مقابل سومین را.
- ۳) من غرس خمس شجرات في اليوم الخامس عشر من شهر اسفند فله ثلاث جوائز: هر کس در روز پانزده اسفند ماه پنج درخت بکارد سومین جایزه برای اوست.
- ۴) كلّ طالب يقرأ أربعة كتب من هذين المؤلفين الاثنتين سئعتی له جائزة واحدة نفیسة: به هر دانش‌آموز که چهار کتاب این دو نویسنده را بخواند جایزهٔ گرانبه‌ای داده خواهد شد.

**۶۰. «دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد»:**

- ۱) أشاهد طالباً يكتب تمارين الدرس في الصفّ. (۲) رأيت في الصفّ الطالب يكتب تمارين الدروس.
- ۳) أشاهد في الصفّ طالباً و هو يكتب تمارين الدرس. (۴) رأيت الطالب و هو يكتب تمارين الدروس في الصفّ.

**□□ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:**

إذا عزمنا أن نجعل إرادتنا قویةً فإنَّ التخیل، و إن كان صعباً بعض الأحيان و لكنّه وسيلة فعّالة في سبیل تحقُّق ذلك، فعلى سبیل المثال إذا استطاع الإنسان أن يتخیل أنه على ساحل البحر یستريح، فإنَّ هذا یقلل ما فيه من الاضطراب!

كذلك في هذا المجال تُمكن الاستفادة من الأخطاء و غفرانها و لكن بالشکل الصحيح؛ فلهذا يمكن الإغماض عنها بعض الأحيان ليعود إلى العمل من جدید بإرادة أقوى!

و یؤكّد أنّ العادات الجیدة تقوی العزيمة إن كانت منتظمة و لو كانت صغيرة؛ و العامل الآخر هو تعیین الجائزة بعد القيام بالعمل بشرط صحته و حسن عمله؛ لأنّه من جهة یُسبب أنّ الشخص ینسى التعب و الجهد الذي بذله عند القيام به و من جهة أخرى تشجیع له على العمل!

**۶۱. أيّ موضوع لم یُذكر في النص:**

- ۱) أثر العادات الحسنة في الإنسان!
- ۲) فائدة الإغماض عن بعض الأخطاء!
- ۳) تأثير قوّة الخيال في إيجاد الطمأنينة للإنسان!
- ۴) تعليم الآخرين و أثره في سبیل الحصول على التّجاح!



### ٦٢. عین الصحيح:

- (١) إذا كانت لدى الإنسان إرادة قويّة فإنّه لا يلتفت إلى الأمور الصّغيرة و رعاية النّظم فيها!
- (٢) إنّ رعاية الترتيب و اجتناب التفريق تُرفع شخصيّة الإنسان في مجال الإرادة!
- (٣) علينا أن نغفر كلّ أخطائنا و ننسى آلامها حتّى نقوم بالعمل من جديد!
- (٤) تعيين الجائزة أهمّ وسيلة للحصول على إرادة قويّة!

### ٦٣. عین الخطأ:

- (١) تقوية الخيال تكفي النَّاس في سبيل تحقُّق الإرادة القويّة!
- (٢) إنّ الإرادة القويّة لا تحصل باتّخاذ طريقة واحدة و عمل واحد!
- (٣) من الأدوات المفيدة للحصول على إرادة قويّة هو تصوُّر تحقُّق ما نريده!
- (٤) لا يستطيع النَّاس كلّهم يتخيّلوا أمورًا و حالات تُقلّل من شدة اضطرابهم!

### ٦٤. عین الصحيح للفرغ: للحصول على الإرادة القويّة يجب .....

- (١) أن نُقوّي قوّة خيالنا!
- (٢) أن نعمل أعمال جديدة في حياتنا!
- (٣) أن نأخذ الجوائز بعد القيام بالأعمال!
- (٤) ألاّ نشتدّ على النفس بل نأخذ سبيل الرأفة عليها!

### □ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

#### ٦٥. «يَتَخَيَّلُ»:

- (١) مضارع - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (له حرفان زائدان) متعدّد / مع فاعله جملة فعلية
- (٢) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (ماضيه «خَيَّلَ» من باب تفعيل) / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- (٣) فعل مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- (٤) مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (ماضيه «تَخَيَّلَ» من باب تفعّل) - معلوم / مع فاعله جملة فعلية

#### ٦٦. «يُسَبِّبُ»:

- (١) فعل مزيد ثلاثي (بحرف زائد واحد) - متعدّد - معلوم / مع فاعله جملة فعلية
- (٢) مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدّد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية و خبر «أنّ»
- (٣) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم / مع فاعله جملة فعلية
- (٤) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (له حرف واحد زائد من باب تفعيل) / الجملة فعلية و خبر لحرف «أنّ» المشبهة بالفعل

#### ٦٧. «أقوى»:

- (١) اسم - مفرد مذكّر - اسم تفضيل (حروفه الأصلية: «قوي») / صفة للموصوف «إرادة»
- (٢) مفرد مذكّر - اسم تفضيل (على وزن أفعل) - نكرة / مضاف إليه للمضاف «إرادة»
- (٣) مفرد مذكّر - اسم تفضيل - نكرة / مجرور بالتبعية للموصوف «إرادة»
- (٤) اسم - مفرد مذكّر - اسم تفضيل (فعله مجرد ثلاثي) / إعرابه مجرور

### □□ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

#### ٦٨. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) سِنَّةٌ و تِسْعُونَ ناقصٌ سِنَّةٌ عَشْرٌ بِسَاوِي ثَمَانِينَ.
- (٢) لِبِلَادِنَا تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ تَقْلِ النَّفِطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ.
- (٣) حُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.
- (٤) فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِائَتُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتِ الْأُصُولِ الْفَارْسِيَّةِ.

**٦٩. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ:**

- (١) نعلم أنّ للبط غَدَّةً طبيعيتةً بالقرب من ذنبها. (جمع) ← غُدَد، ذنوب  
 (٢) عندما نمشى على الرمال الحارّة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسير، رجال  
 (٣) اشتدّت الرّيح و حدثت أعاصير فى تلك المنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار  
 (٤) أظهر لنا أصدقاؤنا صدقهم و هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين

**٧٠. عَيْنُ مَا فِيهِ جَمْعٌ سَالِمٌ لِلْمَوْثُ:**

- (١) أنشد الشّاعر قصيدةً طويلة، الأبيات الجميلة فيها كثيرة!  
 (٢) استمعنا إلى أصوات الطيور فى الغابة و هى جميلة و كثيرة!  
 (٣) إن يُنقل النّفط بواسطة الأنابيب فلا نحتاج إلى آلات لتقليل الضّغط!  
 (٤) بعض الأعمال تحتاج إلى أوقات معيّنة فيجب إن لا تتأخّر فى الوصول إليها!

**٧١. عَيْنُ «الْبَاءِ» تَسْتَعْمَلُ خَطَأً:**

- (١) أكرمني (٢) أفلحني (٣) أجلسني (٤) أخبرني

**٧٢. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «نُونُ الْوَقَايَةِ»:**

- (١) أرسلتني أمي لشراء شريحة لجوّالها!  
 (٢) أعجبنى الرّسام الماهر الذي لم تكن له يدان!  
 (٣) يا أختي العزيزة: بيّني لنا تأثير المحبّة فى تربية الأطفال!  
 (٤) التّحذيرات الكثيرة فى الطريق بعدتني عن الخطرات الموجودة!

**٧٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْبِنَاءِ لِلْمَجْهُولِ (حَسَبِ الْمَعْنَى):**

«إِسْتَعْمَدَ النَّاسُ النِّفْطَ فِي الصَّنَاعَةِ وَ ابْتَعَدَتِ الْأَرْضُ مِنَ السَّلَامَةِ بِكَثْرَتِهِمْ فِي الْإِسْتِفَادَةِ مِنْهُ وَ حِينَئِذٍ يُهَدِّدُونَ الْبَيْتَةَ وَ تَتَعَرَّضُ

الْحَيَاةَ لِلْمَوْتِ»

- (١) اسْتَعْمَدَ النَّاسُ (٢) ابْتَعَدَ مِنَ السَّلَامَةِ ... (٣) ... وَ حِينَئِذٍ نُهَدِّدُ الْبَيْتَةَ (٤) ... تُتَعَرَّضُ لِلْمَوْتِ

**٧٤. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ يَصِفُ مَا قَبْلَهُ:**

- (١) للحرباء عينٌ تدور كلَّ إتجاه تُريده!  
 (٢) لا ترفع صوتك بأيّ دليل عندما تتكلّم مع أمك!  
 (٣) يُقدّم لقمان مواظ قيمة يشير القرآن إليها!  
 (٤) ألف كتابٌ عظيم يُحصى مدنا الجذابة للسّياحة!

**٧٥\* عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاعِينِ: «... يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ يَا ... اجْعَلْنِي مِنَ الْعِبَادِ الصَّالِحِينَ!»**

- (١) ربِّ / إلهي (٢) يا الله / معبودي (٣) اللهمّ / رحمن (٤) يا ربِّ / الرحيم



## سوالات عربی رشته هنر سال ۱۴۰۰

□ □ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية:

۷۶. ﴿وَذَكِّرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾

- ۱) نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودید سپس قلب‌هایتان را انس و الفت داد.
- ۲) نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید پس بین دل‌هایتان انس و الفت قرار داد.
- ۳) نعمت الله را به یاد آورید آن‌گاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلب‌هایتان را نسبت به هم نزدیک کرد.
- ۴) نعمت الله را بر خویشتان یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دل‌هایتان را به یکدیگر نزدیک کرد.

۷۷. «إِنَّ الْبِرْنَامَجَ الَّذِي يَبْدَأُ بِالْتَعْلَمِ الْمُنَاسِبِ يُمَكِّنُ أَنْ يُحَدِّدَ حَيَاةَ الْمَرْءِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ، وَ هَذَا هُوَ مَكَانُ الْعِلْمِ»:

- ۱) برنامه‌ای که با یادگیری خوب آغاز شده ممکن است زندگی آینده انسان را روشن کند، این موقعیت علم است!
- ۲) برنامه کسی که با یادگیری درست آغاز کرده، امکان دارد زندگیش را در آینده معین کند، این جایگاه علم است!
- ۳) برنامه آن کس با یادگیری مناسب آغاز می‌شود که بتواند زندگی فردای شخص را معلوم کند، و این همان موقعیت علم است!
- ۴) برنامه‌ای که با یادگیری صحیح آغاز می‌شود ممکن است زندگی فرد را در آینده تعیین کند، و این همان جایگاه علم است!

۷۸. «الصَّدِيقُ الْحَقِيقِيُّ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ عَذْرَكَ وَإِذَا تَعَمَلْتَ عَمَلًا خَطَا يُسَامِحُكَ وَ لَا يَذْكُرُكَ بِسُوءٍ فِي غِيَابِكَ»: دوست حقیقی همان

کسی است که .....

- ۱) عذرخواهی را می‌پذیرد و به وقت انجام کار اشتباه تو را بخشیده و در نبودت ذکر بدیت را نمی‌کند!
- ۲) عذرت را پذیرفته و هنگامی که عمل خطائی انجام دهی تو را می‌بخشد و در نبودت تو را به بدی به‌خاطر نمی‌آورد!
- ۳) عذر تو را می‌پذیرد و هر گاه کار اشتباهی انجام دهی تو را می‌بخشد و در غیاب تو، از تو به بدی یاد نمی‌کند!
- ۴) عذرخواهی تو نزد او پذیرفته است و آن‌گاه که خطایی انجام دهی از تو می‌گذرد و در غیبت تو، بدیت را به‌خاطر نمی‌آورد!

۷۹. «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَرَوَةٌ لَا يَسْتَطِيعُ الظَّالِمُونَ أَنْ يَنْهَبُوهَا، وَ لَا حَاجَةَ لَهُ إِلَى حَارِسٍ يَحْرُسُهُ!»:

- ۱) تنها علم ثروت است، ستمکاران نمی‌توانند غارتش کنند، و هیچ نیازی نیست که نگهبانی از آن حراست کند!
- ۲) ثروت واقعی علم است، ظالمان نمی‌توانند علم را غارت کنند، و نیازی ندارد که نگهبانی از آن نگهبانی کند!
- ۳) علم فقط ثروتی است که ظالمان توانایی ندارند غارتش کنند، و نیازی به نگهبانی که از آن نگهداری کند وجود ندارد!
- ۴) علم تنها ثروتی است که ستمکاران نمی‌توانند آن را به یغما برند، و هیچ نیازی به نگهبانی که از آن محافظت کند ندارد!

۸۰. «مَنْ مَلَأَ حَيَاتَهُ بِعَمَلِ الْخَيْرِ، كَانَ يَعْلَمُ أَنَّهَا أَقْصَرُ مِنْ أَنْ يُضَيِّعَهَا بِعَمَلِ الشَّرِّ!»:

- ۱) هر آن کس بداند که زندگی کوتاه‌تر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل خوب پر می‌کند!
- ۲) هر کس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می‌داند که زندگی کوتاه‌تر است از این‌که با عمل بد هدر رود!
- ۳) کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می‌داند که زندگی کوتاه‌تر از این است که آن را با کار بد تباهش کند!
- ۴) آن کسی که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاه‌تر است از آن‌که بتواند با عمل بد نابود شود!

۸۱. « لَا نَقْدِرُ أَنْ نَضْطَرَّ التَّلْمِيذَ الَّذِي عَوَّدَ نَفْسَهُ الْكَسَلَ، إِلَى التَّحَرُّكِ وَ الاجْتِهَادِ لِلتَّقَدُّمِ فِي الْحَيَاةِ، بِسَهُولَةٍ!»:

- ۱) دانش‌آموزی که خودش را به تنبلی عادت داده، نمی‌توانیم به آسانی به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار کنیم!
- ۲) دانش‌آموزی که خود به تنبلی عادت کرده، به سادگی قادر نیستیم او را به حرکت و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نماییم!
- ۳) دانش‌آموزی که خود را به تنبلی عادت داده، به سادگی قادر نیستیم به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نماییم!
- ۴) دانش‌آموزی را که خودش را به تنبلی عادت کرده، نمی‌توانیم به آسانی به حرکت و تلاش برای پیشرفت در زندگی ناگزیر کنیم!

۸۲. «المفردات بین لغات العالم لم تتبادل في سنة واحدة، بل قد حدث هذا التبادل أثناء سنوات كثيرة، و بهذا أصبحت اللغات غنية»: کلمات در بین زبان‌های دنیا .....

- ۱) در یک سال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سال‌های زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبان‌ها غنی شدند!
- ۲) سالی یک‌بار تبادل نمی‌شدند بلکه این تبادل طی سال‌های زیادی اتفاق می‌افتاد، و زبان‌ها این‌گونه توانمند می‌شدند!
- ۳) یک‌بار در سال تغییر نمی‌کردند بلکه این تغییر در مدت سال‌های بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبان‌ها بی‌نیاز می‌شدند!
- ۴) در یک سال رد و بدل نشده‌اند بلکه رخداد تبادل در اثناء سال‌های زیادی بود، و به این صورت زبان‌ها سرشار از توانایی شدند!

۸۳. عین الصحیح:

- ۱) لا مُجْتَمَعٌ يَتَقَدَّمُ أَكْثَرَ مِنْ تَقَدُّمِ الْمُعَلِّمِينَ فِيهِ: جامعه بیشتر از پیشرفت معلّمان پیش نمی‌رود!
- ۲) كان الأستاذ ألقى محاضرةً و الطلاب استمعوا إليه: استاد سخنرانی می‌کرد در حالی که دانشجویان به او گوش می‌دادند!
- ۳) ليس صحيحاً أن أحداً يظنّ أنّما التعب في هذه الدنيا له: درست نیست کسی گمان کند که سختی در این دنیا فقط برای اوست!
- ۴) يذهب المتفرّجون إلى الملعب و يجلسون على الكراسي كلّها: تماشاچیان همگی به ورزشگاه می‌روند و بر صندلی‌ها می‌نشینند!

۸۴. عین الخطأ:

- ۱) كبر الطفلُ إلى حدٍّ يأكلُ طعامه بدون مساعدة أحد: کودک به اندازه‌ای بزرگ شد که بدون کمک کسی غذایش را می‌خورد!
- ۲) لننوّذ لساننا بالكلام اللّين لنكسب مودّة الناس: زبان‌مان باید به کلام نرم عادت کند تا دوستی مردم را به دست آوریم!
- ۳) اللهم لك الحمد على ما تأخذ و ما تُعطي: پروردگارا، ستایش مخصوص تو است بر آنچه می‌گیری و آنچه می‌دهی!
- ۴) هناك نوعٌ من الدّلافين يَبقى في الماء ثلاثين دقيقةً متواصلةً: نوعی از دلفین‌ها وجود دارد که سی دقیقه متوالی در آب باقی می‌ماند!

۸۵. «مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند». عین الصحیح:

- ۱) تُجْتَهدُ الأمُّ لتربية أولادها اجتهاداً بالغا! (۲) تُحاولُ أمنا في تربية الأولاد اجتهاداً!
- ۳) تُجْتَهدُ أمنا لتربية أولادها اجتهاداً كثيراً! (۴) تُحاولُ هذه الأمُّ في تربية أولادها كثيراً!

□ □ إقرأ النّص التالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص:

في أوائل القرن العشرين كان اللؤلؤ الطبيعي نادراً و غالباً و يختصّ بالكبار و الأغنياء فقط و سعرُ القطعة الصغيرة منه قد يصل إلى مبالغ كثيرة. ففي عصر الامبراطورية الرومانية يُقال إنّ قائداً جهّز كلَّ جيشه ببيع قطعة صغيرة ممّا كانت تملكه أمّه!

لا يُمكن تعيينُ زمنِ أوّل استخدامِ لُجُوه اللؤلؤ و الدّر و من كان أوّل مُستخدميه من البحر، و لكن نعلم أنّ القبائل القديمة التي كانت تصيد السمك في السواحل الهندية كانوا يعرفون أهميته و قيمته في تلك الأيام!

و الجدير بالذكر أنّ في أيام الامبراطورية البريطانية، كان يُسمح للعائلة الملكية و الأغنياء و الكبار بامتلاك اللؤلؤ لأنفسهم دون الآخرين!

۸۶. عین الصحیح:

- ۱) ظهرت تجارة اللؤلؤ في أوائل القرن العشرين! (۱) كان الحكّام الرومانيون أوّل من فهموا قيمة اللؤلؤ!
- ۲) إنّ بائعي الأسماك في المدن كانوا يعرفون قيمة اللؤلؤ! (۳) لم يكن موضوع الاستفادة من اللؤلؤ مُختصاً بالملوك فقط!

۸۷. عین الصحیح عن اللؤلؤ:

- ۱) مكان اللؤلؤ قرب البحار! (۲) الهنديون كانوا أوّل مستخدميه!
- ۳) مقدار اللؤلؤ يُساوي عدد أفراد العالم! (۴) صيادو السمك في القديم عرفوا قدره قبل الآخرين!

۸۸. عین الموضوع الذي لم يُذكر في النّص:

- ۱) المختصون بالاستفادة من اللؤلؤ! (۲) زمن الاستفادة من اللؤلؤ لأول مرة!
- ۲) قيمة اللؤلؤ قبل القرن العشرين! (۴) الجماعات التي استخدمت اللؤلؤ لأول مرة!

۸۹. عین الصحیح للفراغ: ذُكر في النّص عن ..... اللؤلؤ.

- ۱) صعوبة الحصول على (۲) قيمة (۳) كفيّة الحصول على (۴) جمال



## □ عَيْنُ الخَطَأِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

### ٩٠. «جَهَّزَ»:

- (١) فعل ماضٍ - له ثلاثة حروف أصلية و حرف واحد زائد، مصدره «تَجَهَّزَ» من باب تَفَعَّلَ
- (٢) ماضٍ - للغائب - حروفه الأصلية «جهز» و له حرف واحد زائد، على وزن فَعَّلَ
- (٣) ماضٍ - حروفه الأصلية «جهز» / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «كلٌّ»
- (٤) فعل ماضٍ - للمذكر الغائب - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

### ٩١. «يَعْرِفُونَ»:

- (١) فعلٌ مضارع - للجمع المذكر الغائب - ليس له حرف زائد / فعلٌ و فاعل، و الجملة فعلية
- (٢) مضارع - كلٌّ حروفه أصلية و ليس له حرف زائد / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- (٣) مضارع - للجمع المذكر المخاطب / فعلٌ و فاعله «أهميَّة» و الجملة فعلية
- (٤) فعل مضارع - حروفه أصلية كلها / فعلٌ، و «أهميَّة» مفعوله

### ٩٢. «تَعْيِين»:

- (١) اسم - جمع سالم للمذكر / فاعل لفعل «يُمْكِنُ»
- (٢) مفرد مذكر - مصدر (على وزن تفعيل) - نكرة
- (٣) اسم - مفرد مذكر / مضاف للمضاف إليه «زمن»
- (٤) مصدر (فعله: «عَيْن» على وزن فَعَّلَ و له حرف زائد)

## □ عَيْنُ المُنَاسِبِ لِلجَوَابِ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

### ٩٣. عَيْنُ الخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الحُرُوفِ:

- (١) عَلَيهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرَضُ نَفْسُهُ لِلتُّهْمِ.
- (٢) سَأَلَ النَّبِيَّ (ص): أَيُّ المَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ.
- (٣) اتَّصَلَ السَّيِّدُ مُسْلِمِي بِصَدِيقِهِ مُصَلِّحِ السَّيَّارَاتِ لِكَيْ يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ.
- (٤) سَارَ مَعَ جُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الأُمَّمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ.

### ٩٤. عَيْنُ الخَطَأِ عَنِ المَفْهُومِ:

- (١) الأَعْنَى: من يُعْنَى الآخِرِينَ أَكْثَرَ.
- (٢) غَنَى: قرأ شعراً بصوت فَرِحَ أو حَزِينِ.
- (٣) أَعْنَى (شخصاً): جعله غنياً لا حاجة له.
- (٤) الغَنَى: ذو سعة من المال و لا يُسَاعِدُ الآخِرِينَ.

### ٩٥. عَيْنُ الخَطَأِ عَنِ المَفْرَدَاتِ:

- (١) يزرع الفلاح مزرعته أكثر من مرة واحدة. (مترادف) ← مزارع، تارة
- (٢) كان من الشعائر الخرافية تقديم القرбан للإله. (جمع) ← أقرباء، آلهة
- (٣) لن نتعارف إلا أن نكون شعوباً و قبائل. (مفرد) ← شعب، قبيلة
- (٤) نحن نكره أن نساfer بسيارة معطلة. (متضاد) ← نحب، مصالحة

### ٩٦. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسم التفضيل:

- (١) إِنَّ التَّفَكَّرَ خَيْرٌ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ حَتَّى العِبَادَةِ!
- (٢) إِنَّ الجَمَاعَةَ خَيْرٌ مِنَ الوَحْدَةِ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ!
- (٣) إِنَّ الطِّفْلَ الصَّغِيرَ يَرَى كُلَّ خَيْرٍ فِي أُمَّه وَ يَلْجَأُ إِلَيْهَا!
- (٤) قَدْ تَكُونُ جَمَلَةٌ قَصِيرَةٌ خَيْرًا مِنْ جَمَلَةٍ طَوِيلَةٍ لِبَيَانِ نَظَرَتِنَا!

### ٩٧. عَيْنُ فَعْلًا لَيْسَ فِيهِ حرف زائد:

- (١) يُمْنَعُ التَّلْمِيذُ عَنِ الكَسَلِ وَ هُوَ صَعْبٌ لَهُ!
- (٢) يُحَرِّكُ الحَيَوانَ ذَنْبُهُ لِطَرْدِ الحَشْرَاتِ!
- (٣) نُجَلَسُ ضِيوفَنَا فِي صَدْرِ العَرْفَةِ لِاحْتِرَامِهِمْ!
- (٤) لِيَمْتَنِعَ الحَارِسُ مِنَ النَّوْمِ حِينَ الحِرَاسَةِ!

**٩٨. عَيْن «مَنْ» تَخْتَلَفُ:**

- (١) من يسأل المعلمَ تَعْتَنَّا إِلَّا الطَّالِبَ المشاغِب!  
(٢) من عَمَل بالقرآن فهو يفلح!  
(٣) من غير معلّمك الحنون يُعَلِّمك ما لا تعلم!  
(٤) سيعلم الجميعُ من الفائز غداً!

**٩٩. عَيْن الوصف يَخْتَلَفُ عن الباقي:**

- (١) إغتنموا الفرصَ القليلة و بَدِّلوها إلى فرصٍ ذهبيّة!  
(٢) كُنْ في الشَّدائد كجزيرةٍ لا يكون البحرُ قادراً أن يبلعها!  
(٣) آثارنا التاريخيةُ فخرنا و هي من أهمِّ الآثار التي سُجِّلت في ذاكرتنا!  
(٤) كانت سيَّارتنا معطّلة فجعلتها في موقف تصليح السيَّارات لمدة أسبوع واحد!

**١٠٠. عَيْن ما ليس فيه الحصر:**

- (١) لا تزيد التجارب في الحياة إِلَّا معرفتنا بالأُمور!  
(٢) لا يُعجبني أحدٌ إِلَّا المهاجم الذي يُسجِّل الهدف!  
(٣) لا يستطيع صعودُ هذا الجبل المرتفع إِلَّا الأشخاص الأقوياء!  
(٤) لا تَبَلَع سمكةُ السَّهم إِلَّا الحشرة التي تَسْقَط على سطح الماء!





## سوالات عربی رشته زبان سال ۱۴۰۰

□ □ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية:

۱۰۱. ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾

- (۱) و آیا ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هرکس بخواهد می‌گستراند؟
- (۲) و آیا نمی‌دانند که الله روزی‌ها را برای هر کس بخواهد گسترش می‌دهد؟
- (۳) آیا و ندانسته‌اند که الله روزی‌های خود را برای کسی می‌گستراند که بخواهد؟
- (۴) آیا و نمی‌دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می‌گستراند؟

۱۰۲. «السيرة الحسنة كشجرة الزيتون، لا تنمو سريعاً و لكنّها تعيش طويلاً»:

- (۱) یک رفتار نیکو مانند درخت زیتون سریع نمی‌بالد ولی زندگی طولانی خواهد داشت!
- (۲) راه و روش خوب چون درخت زیتون است، به سرعت رشد نمی‌کند اما طولانی زندگی می‌کند!
- (۳) سیره نیک همچون درخت زیتون است که سریع رشد نمی‌کند، ولی زندگی طولانی می‌کند!
- (۴) یک سیره حسنه مانند درخت زیتونی است که به سرعت بزرگ نمی‌شود، اما زندگیش طولانی است!

۱۰۳. «إن شاهدت أحداً قد وصل إلى القمّة فإنّه كان يتحرّك عندما كان الآخرون نياماً!»:

- (۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می‌کرد!
- (۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله‌ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!
- (۳) اگر کسی را که به قله‌ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالی که دیگران خوابیده بودند!
- (۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالی که دیگران خوابیده بودند می‌خواست حرکت کند!

۱۰۴. «من أفضل الطرق لاكتشاف كذب الأشخاص هو مقايسة ما يقولونه بما يفعلونه!»:

- (۱) آن که بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغ‌گو دارد همان است که گفته آن‌ها را با عمل‌شان مقایسه کند!
- (۲) از بهترین راه‌ها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می‌گویند با چیزی که بدان عمل می‌کنند!
- (۳) کسی که بهترین راه‌ها را برای کشف دروغ افراد دارد، آن‌چه را آن‌ها می‌گویند با آنچه به آن عمل می‌کنند مقایسه می‌کند!
- (۴) بهترین راه برای یافتن دروغ‌گویی اشخاص عبارتست از مقایسه سخنی که می‌گویند با چیزی که بدان عمل می‌کنند!

۱۰۵. «لنفكّر عن العالم و ما فيه حتّى نعلم أنّ ذلك ما خلق باطلاً، و إنّ لم ندرک كلّ دلائل الخلقه!»:

- (۱) می‌بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتّی اگر چیزی از علل آفرینش را درنیابیم!
- (۲) ما درباره این عالم و آنچه در آن است خواهیم اندیشید زیرا بیهوده خلق نشده است، اگرچه نتوانیم همه علّت‌های خلقت را درک کنیم!
- (۳) باید درباره جهان و آنچه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگرچه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!
- (۴) برای اندیشیدن به عالم و هر آنچه در اوست بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتّی در صورتی که هیچ‌یک از دلایل خلقت را نیافتیم!

۱۰۶. «صديقك هو الشخص الذي يعرف نغمات قلبك و يستطيع أن يُغنيها لك إن كنت نسيت كلماتها!»:

- (۱) دوستت همان کس است که آوازهای قلب تو را می‌داند و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می‌خواند!
- (۲) دوستت کسی است که نغمه‌های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!
- (۳) دوست تو است آن کسی که آوازهای قلبت را می‌شناسد و می‌تواند آن را به خاطر تو بخواند آن‌گاه که کلماتت را فراموش کرده‌ای!
- (۴) دوست تو همان کسی است که نغمه‌های قلب تو را می‌شناسد و می‌تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

### ۱۰۷. «لا تَكُونَنَّ مَمَّنْ يَتَجَسَّسُونَ حَتَّى يَكْشِفُوا أَسْرَارَ النَّاسِ لَفُضَحَهُمْ، وَ هَذَا مِنْ أَفْبَحِ الصِّفَاتِ لِلْإِنْسَانِ!»:

- ۱) هرگز از کسانی مباش که جست‌وجو می‌کنند تا اسرار مردم برای رسوائی‌شان فاش شود، و این از بدترین صفات برای انسان است!
- ۲) از جمله کسانی مباش که تجسس می‌کنند تا این‌که اسرار مردم برای رسوائی‌شان کشف شود، و این عمل از زشت‌ترین صفات انسان است!
- ۳) از کسانی مباش که برای کشف کردن اسرار مردم به‌خاطر رسوا شدن‌شان تجسس می‌کنند، و این از قبیح‌ترین صفات نزد انسان است!
- ۴) هرگز از جمله کسانی مباش که تجسس می‌کنند تا اسرار مردم را برای رسوا کردن‌شان کشف کنند، و این عمل از ناپسندترین صفات برای انسان است!

### ۱۰۸. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) خَيْرُ إِخْوَانِي مَنْ أَقْرَبَ إِلَيَّ مَنِّي: بهترین برادرانم نزدیک‌ترین کس به من هستند!
- ۲) إِعْلَمِ أَنَّ أَقْوَى سِلَاحِكَ قَدْرَةُ الْكَلَامِ وَ لِيُنْهَ: می‌دانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- ۳) أَكْبَرُ الْغِنَى الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ: بزرگ‌ترین بی‌نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- ۴) أَنْتَ أَعْلَى وَ خُلُقُكَ الْحَسَنُ أَثْقَلُ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ: تو بلندمرتبه‌ترینی و اخلاق نیک سنگین‌ترین چیز در ترازوی تو است!

### ۱۰۹. عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) أَمَطَرُ اللَّهِ مَطْرًا فِي بِلْدِنَا أَمْسَ: دیروز خدا در شهر ما بارانی باراند،
- ۲) مَا كَانَ الْمَطَرُ كَثِيرًا لِيَصِيرَ سَيْلًا: باران زیادی نبود که سیل بشود،
- ۳) وَ لَا قَلِيلًا حَتَّى لَا يَنْبَتَ مَا قَد فَاتَ: و نه کم که آنچه از دست رفته بود نرود،
- ۴) وَ بَكْرَتِهِ إِزْدَادَاتُ النَّعْمِ عَلَيْنَا: و با فراوانیش نعمت‌ها بر ما فزونی یافت!

### ۱۱۰. «بَا دُوسْتَانَمِ سَخَنِ كَفْتَمِ تَا بَدَانَدِ چَگونَه بَرَايِشَانِ امْكَانِ دَارَدِ كِه دَر بَرْنَامَه‌هَائِشَانِ مَوْفَقِ شُونَدِ». عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) تَحَدَّثْتُ مَعَ زَمَلَائِي حَتَّى يَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُهُمُ النَّجَاحُ فِي الْبَرَامِجِ.
- ۲) حَدَّثْتُ أَصْدِقَائِي لِيَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْهُمْ التَّقَدُّمَ فِي بَرَامَجِهِمِ.
- ۳) تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامَجِهِمِ.
- ۴) كَلَّمْتُ زَمَلَائِي أَنْ يَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا فِي الْبَرَامِجِ.

### □□ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

إِعلم أَنَّهُ إِذَا لَمْ تُسْتَخْدَمِ خَلَايَا الدِّمَاغِ \* وَ لَمْ تُسْتَعْمَلِ متوآصلاً، سِينَقْصُ حَجْمُهَا وَ تَقَلَّ قَدْرَاتُهَا وَ طَاقَتُهَا عَلى العَمَلِ. وَ يَجْرِي تَمْرِينُ تَنْشِيطِ خَلَايَا الدِّمَاغِ \* مِنْ خِلالِ القِيَامِ بِالِاخْتِبَارَاتِ العَقْلِيَّةِ المَتنَوِّعَةِ، مِثْلِ اخْتِبَارَاتِ الذَّاكِرَةِ وَ الذِّكَاةِ وَ غَيْرِهَا.

وَ مِنْ المَهْمِ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ الاخْتِبَارَاتِ جَدِيدَةً وَ غَيْرَ مَعْرُوفَةٍ لِلْفَرْدِ، بِحَيْثُ تُؤَثِّرُ عَلى تَنْشِيطِ عَمَلِ الخَلَايَا وَ تَسَاعِدُهَا عَلى الوُصُولِ إِلى مُسْتَوِيَاتِ \* مَتَقَدِّمَةِ مِنَ التَّفْكِيرِ وَ التَّحْلِيلِ. وَ فِي هَذَا المَجَالِ تُسَاعِدُ القِرَاءَةَ وَ الكِتَابَةَ بِلِغَاتِ مُخْتَلِفَةٍ وَ كَذَلِكَ القِيَامِ بِبَعْضِ الأَلْعَابِ الَّتِي تَحْتَاجُ إِلى تَفْكِيرٍ وَ تَحْلِيلٍ كَالشَّرْطَنْجِ تَسَاعِدُ خَلَايَا الذَّهْنِ أَنْ تَنْمُو وَ تَنْشِطَ أَكْثَرَ فَأَكْثَرُ...

\* خَلَايَا: جِ خَلِيَّةٌ = المَادَّةُ الأَسَاسِيَّةُ فِي جَمِيعِ المَخْلُوقَاتِ الحَيَّةِ، فَالْإِنْسَانُ يَتَشَكَّلُ مِثْلًا مِنْ مَجْمُوعَةٍ مِنَ الخَلَايَا تَسْمَى «سَلُول»! / دِمَاغِ: مَخ / مَسْتَوِيَاتِ = سَطُوح

### ۱۱۱. عَيْنِ الْخَطَأِ: عَلَيْنَا بَازِيَادِ قَدْرَاتِنَا الدِّمَاغِيَّةِ عَن طَرِيقِ .....

- ۱) الإقبال على تعلّم اللغات الأخرى!
- ۲) ألعاب تُقَوِّي العُقُولَ وَ تَعْمَلُ عَلى نَشَاطِهَا!
- ۳) القِيَامُ بِأَعْمَالٍ لَمْ نَكُنْ نَعْمَلُهَا عَادَةً!
- ۴) مَشَاهِدَةُ الأَلْعَابِ الفِكْرِيَّةِ وَ التَّحْلِيلِيَّةِ كَالشَّرْطَنْجِ!

### ۱۱۲. مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يَنْتَفِعَ مِنْ طَاقَاتِهِ الدِّمَاغِيَّةِ؟ عَيْنِ الصَّحِيحِ: الَّذِي .....

- ۱) يَتَكَلَّمُ وَ يَكْتُبُ بِلِغَةِ صَبَاحِ مَسَاءِ!
- ۲) لَا يَجْتَنِبُ مَوَاجَهَةَ مَا بِحَاجَةِ إِلى التَّعَقُّلِ!
- ۳) يَقُومُ كُلَّ يَوْمٍ بِلِعْبَةِ فِكْرِيَّةٍ وَ أَعْمَالٍ مَعِيْنَةٍ!
- ۴) يَحِبُّ الاخْتِبَارَاتِ العَقْلِيَّةِ وَ الأَلْعَابِ الفِكْرِيَّةِ دُونَ أَنْ يَقُومَ بِهَا!



### ١١٣. علام (على ما) تؤثر التمارين الدماغية و الاختبارات العقلية؟ عين الصحيح: تؤثر على .....

(١) ما يقوم به المُحّ! (٢) حجم الرأس و ما فيه! (٣) كيفية القراءة و الكتابة! (٤) كيفية الألعاب الرياضية و الفكرية!

### ١١٤. عين ما لم يُذكر في النص:

(١) أساليب تنشيط القوة الدماغية!  
(٢) أثر عدم استخدام القوة العاقلة!  
(٣) كيفية أثر القراءة بلغة أجنبية على أعمال الإنسان!  
(٤) الألعاب التي تفيد في ازدياد حجم خلايا المخ أو الدماغ!

### □ عين الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

#### ١١٥. «تُسْتَعْمَلُ»:

(١) فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - مجهول / فعل، و الجملة فعلية  
(٢) مضارع - للمؤنث - حروفه الأصلية «ع م ل» - ماضيه: «استعمل» على وزن استفعل  
(٣) فعل مضارع (بمعنى الماضي الاستمراري بسبب وجود حرف «لم») - مجهول / فعل و الجملة فعلية  
(٤) مضارع (بمعنى الماضي النقلي المنفي بسبب وجود حرف «لم» النافية) - مصدره: «استعمال» على وزن استفعل

#### ١١٦. «يَنْقُصُ»:

(١) فعل مضارع - للغائب - ليس له حرف زائد - معلوم / فعل و فاعله «حجم»  
(٢) مضارع (بمعنى الالتزامي بسبب وجود حرف السين) - معلوم / فعل و فاعله «حجم»  
(٣) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - حروفه أصلية كلها - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
(٤) فعل مضارع (يختص بالمستقبل بسبب وجود حرف السين) / فاعله «حجم» و الجملة فعلية

#### ١١٧. «المتنوعة»:

(١) اسم « مفرد مؤنث - معرّف بأل / صفة و موصوفها «الاختبارات»  
(٢) مفرد مؤنث - اسم فاعل (حروفه الأصلية «ن و ع») - معرّف بأل  
(٣) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (فعله: «تنوع» و مصدره: «تنوع» على وزن تفعّل)  
(٤) مفرد مؤنث - اسم فاعل (مصدر فعله: «تنوع» على وزن تفعّل) / صفة للموصوف «الاختبارات»

### □□ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

#### ١١٨. عين الخطأ في ضبط حركات الحروف:

(١) إِنَّ الإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لَتَعْلَمَ دُرُوسَهُمْ، فَلْيَعْلَمُوا ذَلِكَ.  
(٢) لِلدُّلْفَيْنِ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.  
(٣) إِنَّ الكُتُبَ طَعَامَ الْفِكْرِ، وَ لِكُلِّ فِكْرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعِمَةَ لِكُلِّ جِسْمٍ.  
(٤) فِي يَوْمٍ مِنَ الْآيَامِ شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ.

#### ١١٩. عين الخطأ عن «الجرارة»:

(١) تَجَرَّ نَفْسَهَا عَلَى الْأَرْضِ.  
(٢) وَسِيلَةَ كَالسِّيَاةِ تُصَنَعُ فِي الْمَصْنَعِ.  
(٣) قَدْ تُسْتَخْدَمُ لِنَقْلِ السِّيَّارَاتِ الْمَعْطَلَةَ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ.  
(٤) تُسْتَخْدَمُ فِي الْقَرْيِ عَادَةً لِأَنَّ السَّاكِنِينَ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا أَكْثَرَ.

#### ١٢٠. عين الخطأ عن المفهوم:

(١) القرض: المال الذي نأخذه من أحد و نرجعه بعد مدة!  
(٢) الصدقة: المال الذي لا نُقدِّمه إلا إلى المحتاجين!  
(٣) الأجر: المال الذي يُعطى إلى العامل لعمله!  
(٤) الثَّرات: المال الذي ورثه الوارث للآخرين!

**١٢١. عَيْن ما فيه اسم التفضيل أقل:**

- (١) إِنَّ الْخَوْفَ مِنَ الْأَلَمِ أَسْوَأُ مِنْ نَفْسِ الْأَلَمِ!
- (٢) لَا تَنْتَظِرُ النَّظْرَةَ الْحُسْنَى، إِعْمَلْهَا، سِيَجِيءُ لَكَ خَيْرٌ مِنْهَا!
- (٣) إِنَّ الْأَلَمَ الَّذِي يَضْطَرُّكَ إِلَى السُّكُوتِ أَثْقَلُ مِنْ اسْتِغَاثَتِكَ بِأَعْلَى الْأَصْوَاتِ!
- (٤) إِنَّ الَّذِينَ يَنْصَحُونَكَ لِأَفْضَلِ الْأُمُورِ هُمُ الَّذِينَ جَرَّبُوا شَرَّ ظُرُوفِ الْحَيَاةِ غَالِبًا!

**١٢٢. عَيْن «ما» ليست من أدوات النفي:**

- (١) ما اشتغلت أُمِّي فِي الْأُسْبُوعِ الْمَاضِي إِلَّا بِأَعْمَالِ الْبَيْتِ!
- (٢) ما مِنْ أُسْرَةٍ إِلَّا وَ هُمْ مَسْرُورُونَ بِزِيَارَةِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا!
- (٣) ما نَطَّلِبُهُ مِنْكُمْ هُوَ إِهْتِمَامُكُمْ بِالدَّرْسِ وَ بِوَأَجَابَاتِكُمُ الْمَدْرَسِيَّةِ!
- (٤) ما تَصَفَّحْتُ الْكِتَابَ إِلَّا لِمَعْرِفَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهِ!

**١٢٣. عَيْن ما فيه لام الأمر:**

- (١) أَنَارَ اللَّهُ قَلْبَنَا بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ لِنَذْكُرْهُ!
- (٢) تُطْلِقُ سَمَكَةَ السَّهْمِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ لِتَسْقُطَ الْحَشْرَةُ!
- (٣) جَلَسْنَا أَمَامَ التَّلْفَازِ لِنَشَاهِدَ فِلْمًا رَائِعًا!
- (٤) إِنَّ فِرَاحَ «بِرْنَاكِل» لِتَسْقُطَ وَ إِلَّا لِاتْتَعَلَّمَ الطَّيْرَانِ!

**١٢٤. عَيْن ما ليس فيه أسلوب الشرط:**

- (١) مَنْ عَلَّمَ إِنْسَانًا أَنْقَذَهُ مِنْ ظُلْمَةِ الْجَهْلِ!
- (٢) مَنْ كَانَ أُسْوَةً مَنَاسِبَةً لَكُمْ فِي الْحَيَاةِ!
- (٣) مَنْ يَجَالِسُ الْعُقَلَاءَ يَكْتَسِبُ فِضَائِلَ كَثِيرَةً!
- (٤) مَنْ عَمِلَ الْبِرَّ وَ الْإِحْسَانَ وَجَدَ نَتِيجَةَ ذَلِكَ حَقًّا!

**١٢٥. عَيْن الصفة يختلف نوعها:**

- (١) قرأنا الآراء المتعددة في هذا الموضوع فنفكر فيه!
- (٢) شاهدتُ التلاميذ يلعبون في الملعب الكبير مع أصدقائهم!
- (٣) هذا هو التلميذ الناجح يمشي و يضحك مع بقية التلاميذ!
- (٤) أباي مُزَارِعٌ يَجْتَهِدُ دَائِمًا وَ لَا يَرْضَى بِأَنْ يَتْرَكَ هَذِهِ الْقَرْيَةَ!



## سوالات عربی خارج از کشور سال ۱۴۰۰

□□ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱۳۶. ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ﴾

- (۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از این که روزی بیاید که نه فروش (تجارتی) در آن است و نه دوستی!
- (۲) آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از این که آن روز فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!
- (۳) از چیزهایی که به شما روزی داده‌ایم به دیگران بدهید پیش از این که آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- (۴) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید قبل از این که روزی فرا رسد که نه معامله‌ای در آن است و نه دوستی!

۱۳۷. «قَدْ تَوَثَّرَ كَلِمَاتٌ مِنْ شَخْصٍ أَوْ مِنْ كِتَابٍ فِي أَنْفُسِنَا تَأْتِيَةً عَمِيقاً يَظْهَرُ فِي أَفْكَارِنَا وَ آرَائِنَا»:

- (۱) کلماتی از شخصی یا از کتابی بر وجود ما عمیقاً تأثیر می‌گذارد و در اندیشه و آراء ما ظاهر می‌شود.
- (۲) قطعاً کلماتی از شخص یا کتابی در درون‌مان تأثیر ژرفی می‌گذارد که افکار و آراء ما آن را آشکار می‌کند!
- (۳) گاهی کلماتی از شخصی یا کتابی در درون ما چنان تأثیر عمیقی می‌گذارد که در افکار و نظرات ما ظاهر می‌شود!
- (۴) گاه کلمات شخص یا کتابی در وجودمان چنان تأثیر ژرفی بر جا می‌گذارد که اندیشه‌ها و نظریاتمان آن را نمایان می‌سازد!

۱۳۸. «كثيْرٌ مِنَ النَّاسِ لَا يُفَكِّرُونَ أَكْثَرَ مِنْ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سَنَوِيًّا، وَ لَكِنَّ الْعُلَمَاءَ لَا يُضَيِّعُونَ أَوْقَاتَهُمْ وَ يُفَكِّرُونَ دَائِمًا»:

- (۱) اکثر مردم بیشتر از دو بار یا سه بار فکر نمی‌کنند ولی علماء اوقات‌شان را ضایع نکرده در طول سال، همیشه می‌اندیشند!
- (۲) بسیاری از مردم سالانه بیش از دو یا سه بار نمی‌اندیشند، اما دانشمندان اوقات خود را تلف نمی‌کنند و همیشه تفکر می‌کنند!
- (۳) کثیری از مردم هستند که سالیانه بیش از دو سه دفعه فکر نمی‌کنند، ولی عالمان زمان خود را تلف ننموده‌اند و دائماً در تفکر هستند!
- (۴) مردم بسیاری هستند که در سال بیش‌تر از دو یا سه بار اندیشه نمی‌کنند، ولیکن اندیشمندان زمان را تباه نمی‌کنند و دائماً فکر می‌کنند.

۱۳۹. «يُمْكِنُ أَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الضَّحْكِ لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الْبُكَاءِ أَبَدًا»:

- (۱) شاید هر کس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموش شود اما کسی که در گریستن با تو همراه بود فراموش نخواهد شد!
- (۲) می‌توانی آن کس را که در خنده همراهیت کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کس را که در گریه همراهیت کند فراموش نمی‌کنی!
- (۳) می‌شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در گریه با تو همراهی می‌کند ابداً فراموش نمی‌کنی!
- (۴) امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!

۱۳۰. «إِنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجُنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُدَافِعُوا عَنْ تَقَاةِ بِلَادِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ»:

- (۱) قلم و زبان عالم سربازانی‌اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق دفاع نمایند!
- (۲) قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می‌توانسته‌اند به نیکوترین راه از فرهنگ کشورشان دفاع نمایند!
- (۳) قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می‌توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین روش دفاع کنند!
- (۴) قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می‌توانند به روشی نیکو از فرهنگ سرزمین‌های خویش دفاع کنند!

۱۳۱. «دَعَا الشَّرْطِيُّ جَمَاعَةَ الْمَشَاغِبِينَ إِلَى التَّزَامِ الصَّمْتِ، وَ هُوَ مَاكَانَ قَدْ فَكَّرَ كَيْفَ يَطْلُبُ مِنْهُمْ أَنْ يَقُومُوا بِذَلِكَ»:

- (۱) شلوغ‌کار را فرا خواند و آن‌ها را به پایبندی به سکوت ملزم کرد، و به چگونگی عمل کردن آن‌ها فکر نکرده بود!
- (۲) آشوبگر را به پایبندی به سکوت دعوت کرد، در حالی که فکر نکرده بود چگونه از آن‌ها بخواهد بدان عمل کنند!
- (۳) پرسر و صدا را به ایجاد سکوت فرا خواند، اما فکر نمی‌کرد که آن‌ها چگونه باید به آن عمل کنند!
- (۴) پرهیاهو را به رعایت سکوت دعوت کرد، ولی به این که چگونه باید سکوت کنند اصلاً فکر نمی‌کرد!

۱۳۲. «إِنَّ الصَّوْمَ مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي تُؤَثِّرُ فِي حَيَاةِ الْكَائِنَاتِ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطَاتِ»:

- (۱) نور از عوامل مهمی است که تأثیرش در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها به سر می‌برند حتمی است!
- (۲) قطعاً نور از مهم‌ترین عواملی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند اثر می‌گذارد!
- (۳) نور از مهم‌ترین عواملی است که تأثیر آن در موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها به سر می‌برند قطعی است!
- (۴) قطعاً نور از عوامل مهمی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند تأثیر دارد!

### ۱۳۳. عین الصحیح:

- (۱) قد نُعوِّدُ أنفسنا عملاً جيِّداً و سيئاً: گاهی خودمان به کار خوب یا بدی عادت می‌کنیم،  
 (۲) و يُصبحُ تَغْيِيرُهُ كِدَاءً لا مَعَالِجَةَ لَهُ: و تغییر دادنش گاهی مثل بیماری است که درمان ندارد،  
 (۳) و نُجَذِبُ إِلَيْهِ لا عَن عَزْمٍ: و در حالی که تصمیمی بر آن نداریم به سوی ما کشیده می‌شود،  
 (۴) و نعمله و نحن غافلون عنه! و آن را انجام می‌دهیم در حالی که از آن غافل هستیم!

### ۱۳۴. عین الصحیح:

- (۱) كاد أحيي بيكي بكاءً لأنَّ له ألفاً شديداً: برادرم نزدیک است از درد شدیدی که دارد، گریه کند!  
 (۲) طوبى لمن لا يُحدِّثُ عَمَّا فِيهِ احتمالُ الكذبِ: خوشا به حال آنان که از هر چه احتمال دروغ دارد، سخن نگویند!  
 (۳) من لا يَستَخدمُ الوقتَ جيِّداً هو أَوَّلُ مَنْ يَشكو من قَلتِه: کسی که از وقت به خوبی استفاده نمی‌کند، اولین کسی است که از کمی آن، شکایت می‌کند!  
 (۴) العلماء من يُنبِرون عقولَ النَّاسِ بالعلوم النافعة: دانشمندان همان کسانی هستند که به وسیله علوم سودمند خود، مردم را دارای عقل نورانی می‌کنند!

### ۱۳۵. «استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش‌آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد»:

- (۱) وافق أستاذنا أن يؤجَّل موعِد الامتحانات أسبوعين اثنين. (۲) توافق أستاذنا أن يتأخَّر الموعد لامتحان أسبوعين اثنين.  
 (۳) توافق الأستاذ أن يؤخَّر امتحانات الطلاب لمدة أسبوعين. (۴) وافق الأستاذ أن يؤجَّل الامتحان للطلاب لمدة أسبوعين.

### □ □ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّئَالَةِ بِمَا يَناسبُ النَّصَّ:

قد يشعر الإنسان بعض الأحيان أنه مُصاب بالهمِّ و الغمِّ، لذلك يُنصَح أن يقوم ببعض الأعمال؛ منها:

- ۱- الكلام مع العائلة و الأصدقاء، فإنَّ الإنسان عندما يشعر بأنَّه جليسٌ مجموعة من الأصدقاء الذين يُحبُّونه يَزيد شعوره بقوته و استطاعته.  
 ۲- الإقبال على الرياضة في بعض الحالات، فإنَّها أحياناً تُؤثِّر على نشاط مادَّة كيميائية في الجسم مشهورة بمادَّة السعادة. و هذه تُفيد بعض المصابين.  
 ۳- الاستماع إلى الأصوات الهادئة و المحبوبة كالقرآن و الأصوات في الطبيعة و الموسيقى، فإنَّه يَزيد السكينة في الإنسان كما أنه يساعد على تخفيض ضغط الدَّم و تحسين ضربان القلب.  
 ۴- كتابة أسباب الحزن و الغمِّ، فإنَّها تُفيد في تخفيف الآلام.

### ۱۳۶. عین الخطأ:

- (۱) إنَّ بعض الأصوات يؤثِّر على تقليل الاضطرابات!  
 (۲) رفيق السوء لا يقدر أن يُدخل السكينة في قلب الإنسان!  
 (۳) إنَّ التمارين الرياضية بعض الأحيان تعمل بدل الأدوية!  
 (۴) إنَّ الإنسان في هذا العصر يشعر بالحزن و المصيبة مستمراً!

### ۱۳۷. عین ما هو من توصيات النَّص:

- (۱) تكلم مع الآخرين حول حياتك و ذكِّر آلامك!  
 (۲) استمع الى الأخبار و شاهد الأفلام!  
 (۳) أشعر بقدراتك عن طريق الصديق الحميم!  
 (۴) أكتب تمارينك و دروسك بشوق!

### ۱۳۸. عین الصحیح عن مفهوم النَّص:

- (۱) لا طمأنينة بالكسل! (۲) أترك الحزن بترك الفكر! (۳) الفرج بعد الشدائد! (۴) دواء الحزن الصبر عليه!

### ۱۳۹. عین الصحیح للفراغات: «إنَّ دراسات العلماء ..... بأنَّ ..... تؤثِّر على شفاء المرضى .....»

- (۱) تؤكِّد - الرياضة - بعضهم و لا جميعهم  
 (۲) أثبتت - الأصوات كلَّها - بسرعة  
 (۳) تعتقد - الكتابة اليومية - في جميع الأحيان  
 (۴) تظهر - تخفيض الدَّم كثيراً - و لا شك في ذلك

### □ عین الخطأ في الاعراب و التحليل الصرفي:

### ۱۴۰. «تؤثِّر»:

- (۱) فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية «أثر» - مصدره: «تأثير» على وزن تفعيل  
 (۲) مضارع - للمؤنث الغائب - ماضيه «تأثرت» على وزن تفعل / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية  
 (۳) فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - حروفه الأصلية «أثر» / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية  
 (۴) مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «أثر»، و له حرف واحد زائد - فعله الماضي «أثرت» على وزن فَعَّل



#### ١٤١. «يُساعد»:

- (١) فعل مضارع - له حرف واحد زائد، ماضيه: «ساعد» على وزن «فاعل»
- (٢) مضارع - مصدره «مساعدة» على وزن «مفاعلة» / مع فاعله جملة فعلية
- (٣) فعل مضارع - للمفرد المذكر الغائب - حروفه كلها أصلية و ليس له حرف زائد
- (٤) مضارع - للغائب - له ثلاثة حروف أصلية «س ع د» / فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية

#### ١٤٢. «مجموعة»:

- (١) مفرد مؤنث - نكرة - مضاف إليه
- (٢) مفرد مؤنث - معرفة - مضاف إليه
- (٣) اسم - مفرد مؤنث - معرفة - مضاف إليه
- (٤) اسم - اسم مفعلول (من فعل «جمع»)

#### □ □ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

#### ١٤٣. عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَدِّزُ الحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الحَظَرِ.
- (٢) إثنانِ و ثمانونِ تقسيمٌ على إثنينِ يُساوي واحدًا و أربعينِ.
- (٣) لا تظلمْ كما لا تُجِبْ أن تُظلمَ و أحسن، كما تُجِبْ أن يُحسِنَ إليكِ.
- (٤) أنا أتذكّرُ جَبَلِ التَّورِ الَّذِي كانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ في غارِ جِراءِ الواقعِ في قَمَتِهِ.

#### ١٤٤. عيّن الخطأ عن المفهوم:

- (١) الصّحفيّ: من يقرأ الصّحيفة اليوميّة دائماً!
- (٢) المُصحف: يُقال لكتابٍ كُتِبَ فيه كلامٌ خاصّ!
- (٣) الصّحيفة: مجموعة من الأوراق التي تُنتشر يوميّاً!
- (٤) الصّحف: فيها أخبار متعدّدة و غيرها حسب سياسة الصحيفة!

#### ١٤٥. عيّن الصحيح عين المفردات:

- (١) إنّه قرأ آلاف الكتب و هو من أهمّ الكُتّاب. (مفرد) ← ألف - كاتب
- (٢) جاء بهدايا كثيرة و قبلها الفقير بسرور: (مترادف) ← أتى بـ - رفض
- (٣) كلّ وعاء يضيّق بما جُعِلَ فيه إلّا وعاء العلم. (متضاد) ← يتّسع - الجاهل
- (٤) ذهبت إلى أستاذي مع صديقتي لنسأل سوّالات كثيرة. (جمع) ← أساتذة - أصدقاء

#### ١٤٦. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) بنى المديّرُ سدّاً بخير الأشياء من الحديد و النّحاس!
- (٢) خير الصّدقة علمٌ نتعلّمه و نُعلّمه الآخرين في حياتنا!
- (٣) عليكم بالجماعة لأنّ الكثير خير من القليل لأداء الأعمال!
- (٤) في كلّ شيء خيرٌ و جمالٌ لاتشاهدهما إلّا أن تنتبه إليهما!

#### ١٤٧. عيّن ما فيه «نون الوقاية»:

- (١) تبنّي بعض الطّيور عشّها فوق الأشجار!
- (٢) أُختي العزيزة: بيّني لي أين أجعلُ هذه الكتب!
- (٣) إن بيّنتُ لك أصلَ هذا الموضوع فهل تُصدّقني!
- (٤) هو طالبٌ نشيطٌ جدّاً يَتَمَتّى أن يَصِلَ إلى أهدافه!

#### ١٤٨. عيّن «ما» تختلف في المعنى:

- (١) ما أحبّ هذا الطّالبُ أن يَعرفَ الآخرون فشله!
- (٢) ما تحتاج هذه الغرفة هي مكتبة صغيرة فيها بعض الكتب!
- (٣) ما أحسن الإنسان لأحدٍ إلّا و هو يرى نتيجة عمله بإحسان أفضل!
- (٤) ما أخلص المؤمنُ لله إلّا و يبايِعُ الحكمة قد ظهرت من قلبه على لسانه!

#### ١٤٩. عيّن ما فيه المفعول المطلق النوعي:

- (١) مدح الشّاعرُ الجنّة مدحاً جيّداً و نال جائزة!
- (٢) رأيتُ حادثاً جديداً في مدينتنا عندما كنتُ أمشي هناك!
- (٣) لا تَعمر حكمةً بالغة عمراً إلّا في قلب الإنسان المتواضع!
- (٤) شاهدتُ سمكاً عجيباً يعيش في الغلاف دون الماء و الطّعام!

#### ١٥٠. عيّن أسلوب الاستثناء معناه الحصر:

- (١) ما اشتري والدي شيئاً من المتجر الكبير إلّا نوعاً من الفاكهة!
- (٢) ما أعانني أحدٌ في مشاكل الحياة إلّا الله الَّذِي خلّقني فيرحمني دائماً!
- (٣) ما شكر أكثر النّاس نعمة الله عليهم إلّا الذين يعرفون أنها من جانبه!
- (٤) ما استطاع أن يذهب إلى الحجّ هذا العام إلّا الحجّاج الذين كانوا مستطيعين!

## پاسخ عربی رشته ریاضی ۱۴۰۰

۹. ترجمه صمیم این گزینه: «با بردباری بر نادان، یاران زیاد می‌شوند.»

۱۰. دو کلمه «کشاورز» و «محصول» بدون «یک» یا «ی» یعنی به صورت معرفه آمده‌اند پس در تعریب هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توان از تنوین استفاده کرد و به همین علت فقط گزینه «۴» صحیح است. ترجمه متن:

انسان نمونه‌ای که برای بزرگی تلاش می‌کند همان انسانی است که دنیا را همچون عرصه‌ای می‌پندارد که در آن فقط جنب و جوش و فعالیت است، به حدی که سستی و بی‌تحرکی مساوی با مرگ‌اند. و همچنین هر موجود زنده‌ای هرگاه موفقیت و پیروزی را بخواهد ملزم به رویارویی با دنیا همچون مجموعه‌ای است که در آن نزول و صعود وجود دارد و هیچ چاره‌ای از آن دو نیست و انتخاب یکی از آن دو، بدون دیگری ممکن نیست.

بنابراین مشکلاتی که در راه جوینده واقع می‌شود - به عنوان مثال - همان است که کم یا زیاد و یا به شکلی مشابه در راه دیگران نیز واقع می‌شود. پس هر کس که روحش بزرگ است (ظرفیت روحی بالایی دارد) زندگی را با هر آنچه در آن است بدون غم و اندوه می‌پذیرد ولی کسی که [ارزش] دنیا، بیشتر از [ارزش] اوست و کسی که خودش را کوچک کرده است پس دنیا بر او چیره می‌شود، و در این هنگام چنین انسانی با ناامیدی زندگی می‌کند و به دیگران نفرین می‌فرستد با این توجیه که آنان در مسیر برآوردن نیازهای او تلاش نمی‌کنند.

۱۱. با توجه به خط اول پاراگراف دوم متن، مشکلات زندگی به صورت کمتر یا بیشتر یعنی به صورت مشابه در راه همه قرار می‌گیرند. به همین علت گزینه «۱» انتخاب می‌شود.

۱۲. باز هم با توجه به پاراگراف دوم متن که در خط دوم آن گفته است «کسی که روحش بزرگ است، زندگی و آنچه در آن است را بدون غم و اندوه می‌پذیرد.» گزینه «۴» که آن هم دقیقاً گفته است «کسی که زندگی را با آن چه در آن است بی‌ذیرد احساس سختی نمی‌کند.» انتخاب می‌شود.

۱۳. گزینه اشتباه را خواسته است و در حالت عادی هم انسانی که موفقیت و پیروزی همراه اوست طبیعتاً کسی نیست که زندگی دنیوی بر او چیره شده باشد و به همین علت اشتباه است.

۱۴. با توجه به عبارت «همانا مشکلاتی که در راه جوینده واقع می‌شود همان است که در راه دیگران قرار داده می‌شود» مناسب ترین گزینه از نظر مفهومی به آن گزینه «۴» است که دنیا را پوشیده شده از مصیبت‌ها و آزمایش‌ها می‌داند.

۱۵. تجزیه و ترکیب «کانت»: فعل ماضی - للغائبه (للمفرد المؤنث الغائب) - له ثلاثه حروف أصلیه دون حرف زائد/ فعل من الأفعال الناقصه بمعنی «بود» و فعل الشرط و الجملة شرطیه اشتباه گزینه «۲» و صحیح آن: و الجملة جواب الشرط - فعل الشرط

۱. «رسولاً» اسم نکره است و به صورت «رسولی، پیامبری» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «الرسول» اسم معرفه به «ال» است و به صورت «آن رسول، آن پیامبر» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۳)]

۲. «لا یُمكن» فعل مضارع منفی است و به صورت «ممکن نیست، امکان ندارد» ترجمه می‌شود و فقط همین گزینه آن را ترجمه کرده است.

۳. «إن» شرطیه بر فعل ماضی «ذهبنا» وارد شده است و این فعل به صورت مضارع التزامی «برویم» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

ترکیب «کتنا نذهب و کتانا نصل» متشکل از «کان» + فعل مضارع است و به صورت ماضی استمراری «می‌رفتیم و می‌رسیدیم» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۴. ترکیب «قد استطاع» متشکل از «قد» + فعل ماضی است و به صورت ماضی نقلی «توانسته است» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «یُوصل» مضارع باب افعال است و این باب به صورت متعدی ترجمه می‌شود؛ یعنی ترجمه «یُوصل» به صورت «برساند» صحیح است. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۲)]

۵. ترکیب وصفی اضافی «أمتنا المفکره» به صورت «امت متفکر ما» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۳) و (۴)] اسم «فضل» نکره است و باید با «یک» یا «ی» به صورت «فضیلتی، فضلی» ترجمه می‌شود. اما گزینه (۱) آن را به صورت «برتری» ترجمه کرده است.

۶. «یری» فعل مضارع و به معنای «می‌بیند» است که دو بار تکرار شده است و هر دو بار فقط در گزینه «۳» به صورت صحیح ترجمه شده است.

۷. ترکیب «رجال هاتین القبیلین» به صورت «مردان این دو قبیله» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها] ترکیب «کان» + فعل مضارع «ینهبون» به صورت ماضی استمراری «به یغما می‌بردند، غارت می‌کردند» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)] «أغلق» نیز فعل مجهول است و به صورت «بسته شد» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۳) و (۴)]

۸. ترجمه صحیح گزینه‌های دیگر:

۱- دوستم کتابی تألیف کرده‌بود. در آن داستان‌های مفیدی یافت می‌شود.  
۲- بازیکنان مسابقه وقت مشخصی دارند. باید در آن کارهایشان را انجام دهند.

۴- اگر مردم با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز نداشته باشند هیچ راهی برای پیشرفت کشورشان وجود ندارد.





### ■ پاسخ عربی رشته تجربی ۱۴۰۰

۲۶. «لا یُغَیِّر» فعل مضارع منفی است و بهترین ترجمه برای آن همان «تغییر نمی‌دهد» است که در گزینهٔ «۳» آمده است. «قوم» اسم نکره و مفرد است و به صورت «قومی» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها] ترکیب «ما بأنفسهم» نیز به صورت «آنچه در دلهایشان هست» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۲۷. «تستطیع» فعل مضارع است و به صورت «می‌توانی» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۳) و (۴)] «بأنفسهم» نیز به صورت «به خود» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)]

۲۸. «أن تجعل» به معنای «قرار بدهی، بگردانی» فعل دو مفعولی است و «عدوِّک» و «صدیقاً» دو مفعول آن هستند و در ترجمهٔ چنین مواردی، مفعول اول با حرف «را» می‌آید و ترکیب «أن تجعل عدوِّک صدیقاً» به صورت «دشمن خود را دوست بگردانی، دشمن را دوست قرار بدهی» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «عداوه» به معنای «دشمنی» است. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۲۹. «ما» ی نفی در ابتدای عبارت بر فعل ماضی «قَلَّ» وارد شده است و معنای نفی می‌دهد. [رَدّ گزینهٔ (۲)] «نستعین» فعل مضارع است و با حرف «أن» به صورت مضارع التزامی «یاری بجوییم، یاری بخواهیم» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینهٔ (۴)] «طریقنا» به صورت «راه خود، راه خویش» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

۳۰. «إخوانی المزارعون» ترکیب وصفی اضافی است و به صورت «برادران کشاورزم» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)] «یَد» نکره است و به صورت «دسته‌ای» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینهٔ (۲)] «سَن» نیز اسمی مفرد و نکره است و به صورت «دندان» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۳۱. «یُبَسِّط» فعل مضارع مجهول است و به صورت «گسترده می‌شود» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «الأشیاء» جمع و به معنای «چیزها» است. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۳)] «طریقنا» به صورت «راه خود» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

۳۲. «هناک» در ابتدای جمله معنای «وجود دارد» می‌دهد. [رَدّ گزینهٔ (۴)] «جذور» و «جذوع» هر دو جمع مکشّرند و به صورت «ریشه‌ها» و «تنه‌ها» ترجمه می‌شوند. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۲)]

۳۳. تَرِمَةً صمیع این گزینه: «ارتباط بین دوستان با غیبت و مسخره کردن قطع می‌شود.»

۳۴. تَرِمَةً صمیع این گزینه: «هرگاه تصمیم گرفتی که کاری را شروع کنی پس تو نصف راه را پیموده‌ای.»

۳۵. «تظاهر کرد» فعل ماضی است و به صورت ماضی «تظاهر» تعریب می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۴)] «بالش» ترکیبی از «بال» + ضمیر است و به صورت «جناحه» تعریب می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۱۶. تجزیه و ترکیب «صَغَّر»: فعل ماضی - للغائب (للمفرد المذکر الغائب) - له ثلاثه حروف أصلیه و حرف زائد واحد و مصدره «تصغیر» علی وزن تفعیل - معلوم / فعل و مع فاعله جمله فعلیه و مفعوله «شأن» اشتباه گزینهٔ «۴» و صحیح آن: مصدره علی وزن «تفَعَّل» ← مصدره علی وزن تفعیل

۱۷. تجزیه و ترکیب «الطالب»: اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل (من فعل «طلب» و اسم مفعوله: مطلوب) - معرّف بأل / مضاف إلیه للمضاف «سبیل»

اشتباه گزینهٔ «۲» و صحیح آن: مصدره: مطالبه ← مصدره: طَلَب (فعل آن «طَلَب» است نه «طالب» و اگر فعل آن «طالب» بود مصدرش به صورت «مُطالَبَه» صحیح بود.)

۱۸. «المسافرین» جمع است و نون جمع، فتحه می‌گیرد نه کسره و به صورت «المسافرین» صحیح است. «واقفین» نیز اسم فاعل است و دقیقاً باید بر وزن «فاعل» یعنی به صورت «واقفین» بیاید.

۱۹. «الغیم» به معنای «ابر» است و نه «نوعی از ابر که فقط از آن باران می‌بارد». پس گزینهٔ «۳» به همین علت اشتباه است.

۲۰. ساعت یک ربع مانده به دوازده یعنی دقیقاً ۱۱:۴۵ دقیقه که در گزینهٔ «۱» به عدد و در گزینهٔ «۲» به حروف آمده است و در گزینهٔ «۴» نیز گفته شده پانزده دقیقه مانده به دوازده که باز هم همان ۱۱:۴۵ دقیقه می‌شود. اما در گزینهٔ «۳» ساعت ۱۱:۳۰ ذکر شده است و اشتباه است.

۲۱. در این گزینه اسم تفضیل بیشتر (أفضَل، أَلین و أَلطف) موجود است. در گزینه‌های دیگر به ترتیب: أحسن، أشرف، أوسط و خیر اسم تفضیل‌اند.

۲۲. لام امر بر فعل مضارع وارد می‌شود و معنای «باید» می‌دهد. در این گزینه لام امر بر فعل مضارع «یخضع» وارد شده است. به ترجمه توجه کنید: «هنگام مشاهدهٔ آثار قدرت خداوند، دل باید فروتن باشد.» در گزینه‌های دیگر به ترتیب در: «لیخجوا، لیصلح و لیشتری» لام به معنای «تا اینکه» آمده است و لام امر موجود نیست.

۲۳. نون وقایه نونی است که پس از سه حرف اصلی فعل و قبل از ضمیر «ی» مفعولی می‌آید و جزو سه حرف اصلی فعل نیست. در گزینهٔ «۲» در «سینفعنی» سه حرف اصلی «ن ف ع» است که پس از آن نون وقایه + ضمیر «ی» آمده است. در گزینه‌های دیگر به ترتیب در «یُغْتی، تحزنی و ینی» حرف «ن» جزو سه حرف اصلی است و نون وقایه نمی‌باشد.

۲۴. «ما» ی شرطیه به معنای «هر چه، هر آن چه» بر دو فعل وارد می‌شود و به جمله معنای شرطی می‌دهد. به ترجمهٔ این گزینه توجه کنید: «هر آن چه از دانش‌های مختلف می‌آموزی تو را از نادانی دور می‌کند.» در گزینه‌های «۲» و «۴» نوع «ما» نفی است و در گزینهٔ «۳» نوع «ما» استفهامی (پرسشی) است.

۲۵. در این گزینه مفعول مطلق موجود نیست. در گزینه‌های دیگر به ترتیب: «إكراماً، تأديباً و رغبةً» مفعول مطلق‌اند.



۴۳. «المُسْتَمْعِين» اسم فاعل است و عین الفعل آن یعنی حرف «م» باید کسره داشته باشد و به صورت «المُسْتَمْعِين» صحیح است که در این گزینه به اشتباه به صورت «المُسْتَمْعِين» آمده است.

۴۴. صمیع گزینه‌های دیگر:

(۱) جمع «رَجُل: یا» به صورت «أَرْجُل» صحیح است.  
(۲) «هُوَاه» و «رَاغِبُونَ» هر دو به معنای «دوستداران» و مترادف هستند.  
(۳) «الْكَتَاب» جمع مکسر است و مفرد آن «کَاتِب» است.

۴۵. «الرَّزَع» به معنای «کشت، بذرافشانی» است و با توضیح متناسب آن «به مکانی که کشاورز در آن کار میکند» تفاوت دارد و به همین علت اشتباه است.

۴۶. «شَرَّ» اگر به معنای «بدتر، بدترین» و «خَيْر» اگر به معنای «بهتر، بهترین» باشد اسم تفضیل محسوب می‌شوند. به ترجمه این گزینه توجه کنید: «خودت را برای بدترین چیزها آماده کن و تو باید به بهترین آنها امید داشته باشی.» در گزینه‌های دیگر «خیر» به معنای «خوبی» است و اسم تفضیل نمی‌باشد.

۴۷. ماضی استمراری فارسی از ترکیب «کان» + فعل مضارع تشکیل می‌شود به عبارتی دیگر، فعل مضارع باید خبر «کان» باشد و «کان» در معنای آن فعل مضارع تأثیر بگذارد که در گزینه (۴) اینگونه نیست. به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید:

(۱) دانش آموزان توپ را پرتاب می‌کردند تا وارد دروازه شود.

(۲) آن کتاب، کلمات فارسی و عربی را در بر می‌گرفت.

(۳) پدرم مرا به مدارا کردن با مردم امر می‌کرد همچنان که به انجام واجبات امر می‌کرد.

(۴) مژه پرتقالی که در شمال ایران می‌روید لذیذ است.

۴۸. «لا»ی نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست، وجود ندارد» است و پس از آن اسم می‌آید. به ترجمه گزینه (۳) دقت کنید: «لاستیک ماشینم با یک چیز تیز برخورد کرد و منفجر شد و هیچ لاستیک زاپاسی ندارم.»

۴۹. به «ما»یی که بر اسمی بر وزن «أفعل» وارد شود و معنای تعجب دهد «ما»ی تعجب گفته می‌شود. در این گزینه «ما»یی از همین نوع بر اسم «أجمل» وارد شده است. به ترجمه این گزینه توجه کنید: «چه زیباست کلاسی که معلم، دانش آموزان را دوست دارد و آن‌ها نیز او را دوست دارند.» در گزینه‌های دیگر «ما»ی نفی بر سر فعل‌های ماضی آمده است و فقط معنای آن‌ها را منفی کرده است.

۵۰. حصر، زمانی رخ می‌دهد که مستثنی منه در جمله موجود نباشد. در گزینه (۳) قبل از کلمه «إلا» جای خالی کلمه‌ای حس می‌شود به عبارتی دیگر مستثنی منه محذوف است. به ترجمه این گزینه دقت کنید: «منتقل نمی‌شود به تعمیرگاه [ماشینی] به جز ماشین خراب» در گزینه‌های دیگر به ترتیب: «أحد، الجوائز و الفاکهه» مستثنی منه و در جمله موجودند و حصر وجود ندارد.

ترجمه متن: میلیاردها نفر در تمام نقاط دنیا به ویژه در فقیرترین کشورهای جهان به اقیانوس‌ها و دریاها تکیه می‌کنند. پس آن دو به شکلی اساسی در ایجاد فرصت‌های شغلی و همچنین دستیابی به غذا و مایحتاج روزانه مؤثر هستند. به راستی که کشورهای همسایه با این نعمت بزرگ به صورت‌های مختلف در زمینه رشد و توسعه اقتصادی شان از آن استفاده می‌کنند؛ پس آن علاوه بر اینکه منابعی از نعمت‌های غذایی و غیره است فرصتی طلایی برای جذب گردشگران و مسافران از تمام کشورهای دنیا برای گردش و لذت نیز می‌باشد. و موضوع قابل ذکر این است که حمل و نقل دریایی امروزه به یکی از راه‌های اساسی ارتباط میان کشورهای تبدیل شده است و بر همین اساس از عوامل فعالیت اقتصادی به شمار می‌رود. و در پایان آنچه که مراعاتش واجب است این است که دریاها مکانی برای زباله‌ها نیستند پس عدم رعایت این موضوع نابودی انسان به دست خودش را منجر می‌شود.

۲۶. در متن چیزی در مورد اثر دریاها بر هوای پاکیزه، ذکر نشده است و به همین علت اشتباه است.

۳۷. در این گزینه ذکر شده است که دریاها مکان‌هایی برای ضایعات کارخانه‌ها هستند و بر اساس متن، این موضوع جزء فواید دریاها نیست.

۳۸. بر اساس قسمت پایانی متن، آلوده کردن دریاها به دست خود انسان، باعث نابودی اش خواهد شد که دقیقاً در گزینه (۱) به همین نکته اشاره کرده است.

۳۹. عنوان مناسب و با مفهومی گسترده تر برای متن همان «اهمیت دریاها» است.

۴۰. تجزیه و ترکیب «تعتمد»: فعل مضارع- للغائب (للمفرد المؤنث الغائب)- له ثلاثه حروف أصلیه و هی «ع م د» و حرفان زائدان و ماضیه «اعتمد» علی وزن «افتعل» و مصدره «اعتماد» علی وزن «افتعال» / فعل و فاعله «المیلیارات» و الجملة فعلیه اشتباه گزینه (۳) و صحیح آن: حروفه الأصلیه «ع ت م» ← حروفه الأصلیه «ع م د»

۴۱. تجزیه و ترکیب «أصبح»: فعل ماضی- للغائب (للمفرد المذكر الغائب)- له ثلاثه حروف أصلیه و حرف واحد زائد و علی وزن «أفعل» و مصدره «إصبح» علی وزن «إفعال»- من الأفعال الناقصه بمعنی «صار» اشتباه گزینه (۱) و صمیع آن: من الأفعال الناقصه بمعنی «کان» ← من الأفعال الناقصه بمعنی «صار» («أصبح» و «صار» هر دو به معنای «شد، گشت و گردید» هستند اما «کان» به معنای «بود» است.)

۴۲. تجزیه و ترکیب «أفقر»: اسم- مفرد مذکر- اسم تفضیل (جمعه علی وزن «أفاعل» و مؤنثه علی وزن «فُعَلی») / مجرور بحرف الجر؛ فی أفقر: جار و مجرور

اشتباه گزینه (۴) و صمیع آن: مؤنثه علی وزن «أفعله» ← مؤنثه علی وزن «فُعَلی» (اسم تفضیل مذکر بر وزن «أفعل» و مؤنث آن بر وزن «فُعَلی» می‌آید.)



### ۵۸. ترجمه صحیح گزینه‌های دیگر:

(۱) سال‌های عمر چه به سرعت می‌گذرد در حالی که ما غافلیم.  
(۳) انسان چیزهایی می‌سازد که تاریکی را به نور تبدیل می‌کند.  
(۴) ترشح مایع پاک کننده از زبان گربه آن را به حیوانی خاص تبدیل کرده است.

### ۵۹. ترجمه صحیح گزینه‌های دیگر:

(۲) در مسابقه گذشته تیم ما شش گل و تیم مقابل سه گل زد.  
(۳) هر کس در روز پانزدهم از ماه اسفند پنج درخت بکارد سه جایزه دارد.  
(۴) به هر دانش آموزی که چهار کتاب از این دو مؤلف را بخواند یک جایزه گران قیمت داده خواهد شد.

۶۰. «دانش آموزی» نکره است و به صورت «طالباً» تعریب می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۴)] بخش دوم عبارت این گونه است «تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد» اما گزینه «۳» قسمت «در کلاس» را در ابتدا آورده است و تعریب دچار اشکال شده است و ترجمه گزینه «۳» این گونه است «دانش آموزی را در کلاس می‌بینم در حالی که تمرین‌های درس را می‌نویسد.» که با اصل عبارت تفاوت دارد.

ترجمه متن: اگر تصمیم بگیریم که اراده مان را قوی کنیم پس به راستی که خیال پردازی - اگرچه بعضی اوقات سخت باشد- لیکن وسیله‌ای کارآمد در راه محقق کردن آن است. پس به عنوان مثال اگر انسان بتواند خیال کند که بر روی ساحل دریا استراحت می‌کند، به راستی که این از اضطراب او کم می‌کند. همچنین در این زمینه، استفاده از اشتباهات و چشم پوشی از آن‌ها ولی به شکل صحیح ممکن است؛ بنابراین بعضی اوقات چشم پوشی از آن‌ها امکان پذیر است تا دوباره با اراده قوی تر به آن باز گردد. و تأکید می‌شود که عادت‌های خوب، در صورت منظم بودن، اراده را تقویت می‌کند حتی اگر کم باشد؛ و عامل دیگر، تعیین جایزه پس از انجام کار، مشروط به درستی آن و خوب انجام دادن آن است؛ زیرا آن از جهتی باعث می‌شود که انسان، خستگی و تلاشی که برای انجام آن صرف کرده را فراموش کند و از طرفی دیگر، تشویقی برای کارش باشد.

۶۱. «آموزش دادن دیگران و تأثیر آن در راه دستیابی به موفقیت» در متن، ذکر نشده است.

۶۲. با توجه به اینکه در متن از نظم و ترتیب صحبت شده است و نیز گزینه‌های دیگر با توجه به متن، اشتباه هستند؛ فقط گزینه «۲» می‌تواند صحیح باشد.

۶۳. طبیعتاً اگر متنی هم در کار نبود واضح است که تقویت خیال در راه تحقق اراده قوی برای انسان کافی نیست و به همین علت گزینه «۱» اشتباه است.

۶۴. با توجه به ابتدای متن، برای دستیابی به اراده قوی باید خیال پردازی مان را تقویت کنیم پس گزینه «۱» را به عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌کنیم.

## پاسخ عربی رشته انسانی ۱۴۰۰

۵۱. «لأنفسکم» به صورت «برای خود، برای خودتان» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «خیر» مفرد است و به صورت «خوبی، نیکویی» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «تجد» به معنای «می‌یابید» است و ضمیر «۵» متصل به آن به «خیر» برمیگردد که مفرد است و با هم به صورت «آن را می‌یابید» ترجمه می‌شود. [ردّ سایر گزینه‌ها]

۵۲. «تُریدُ» مضارع «أرادَ: خواست» است و به صورت «بخواهی، می‌خواهی» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۴)] کلمه «مظلوم» نکره است و ترکیب «بدعاء مظلوم» به صورت «با دعای یک مظلوم» ترجمه می‌شود. [ردّ سایر گزینه‌ها] ترکیب «قد + فعل ماضی «ملکت» به صورت ماضی نقلی «مالک شده ای» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

۵۳. «کانت» از افعال ناقصه و به معنای «بود» است و ترکیب «کانت قیّمه» به صورت «ارزشمند بود» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «أرشد» فعل ماضی است و ترکیب «أرشدتني» به صورت «مرا هدایت کرد، مرا هدایت نمود» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «سبیل الخیر» ترکیب اضافی است و به صورت «راه خیر» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

۵۴. «لا یرضی» ثلاثی مجرد بر وزن «فَعَلَ یَفْعَلُ» مضارع منفی و لازم است و به صورت «راضی نمی‌شود، رضایت نمی‌دهد» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «یُرَضی» ثلاثی مزید بر وزن «أَفْعَلُ یُفْعَلُ» مضارع باب افعال است و بر اساس قانون باید به صورت متعدی «خشنود می‌سازد، راضی می‌نماید» ترجمه شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

۵۵. «یُسَبِّبُ» فعل مضارع است و ترجمه آن به صورت «باعث می‌شود، سبب می‌شود» صحیح است. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «تتجلی» فعل مضارع است و به صورت «جلوه می‌کند» ترجمه می‌شود. [ردّ سایر گزینه‌ها]

۵۶. حرکت «ن» اول در «لا یحزننی» سکون است و این بدین معناست که «لا»ی نهی بر فعل للغائب وارد شده است و بر اساس قانون در ترجمه از لفظ «نباید» استفاده می‌کنیم. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)] «جاهلین» حال است و در مورد کلمه «الذین» صحبت می‌کند و بهترین ترجمه برای آن همان «جاهلانه» است که در گزینه «۴» آمده است. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۳)] در ترجمه گزینه «۲» از کلمه «أبدأ» استفاده کرده است که معادل آن در عبارت عربی وجود ندارد و اشتباه است.

۵۷. قبل از کلمه «أسماکاً» حرف «فی» مشاهده نمی‌شود پس ترجمه آن به صورت «در ماهیانی» اشتباه است. [ردّ گزینه (۴)] «البحار» جمع است و به صورت «دریاها» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه (۱)] «اللمضيء» به معنای روشنی بخش، تابناک است اما گزینه‌های «۲» و «۴» این کلمه را ترجمه نکرده‌اند.



- ۱) مردم به کار گرفته شدند.  
 ۲) از سلامت دور شد.  
 ۳) و در این هنگام محیط زیست تهدید می‌شود.  
 ۴) در معرض نابودی قرار گرفته می‌شود.  
 با توجه به متن و گزینه‌ها فقط گزینه «۳» معنای فعل مجهول صحیح را داراست.

۷۴. به فعلی که بعد از اسمی نکره بیاید و آن اسم نکره را توصیف کند وصف جمله یا به عبارتی «ما یصف قبله» گفته می‌شود. در گزینه «۲» اگرچه فعل «تتکلم» پس از اسم نکره «دلیل» آمده است اما آن اسم را توصیف نمی‌کند و صفت آن محسوب نمی‌شود. در گزینه «۱» فعل «تدور» اسم نکره «عین» در گزینه «۳» فعل «یشیر» اسم نکره «مواعظ» و در گزینه «۴» فعل «یُحصی» اسم نکره «کتاب» را قبل از خود توصیف می‌کنند.

۷۵. در جای خالی دوم پس از حرف ندای (یا) اسم «ال» دار نمی‌آید و اسم «ال» دار فقط پس از «أیها، أیتها» مورد خطاب قرار می‌گیرد. یعنی اگر به صورت «یا رحیم» یا «أیها الرحیم» می‌آمد صحیح بود.

### ■ پاسخ عربی رشته هنر ۱۴۰۰

۷۶. «علیکم» ترکیبی از حرف جرّ «علی» به معنای «بر» + ضمیر «کم» است و به صورت «بر خود، بر خویشتن» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۳)] کلمه «أعداء» جمع مکسر «عدو» و به معنای «دشمنان» است. [ردّ گزینه‌های (۳) و (۴)]

۷۷. «الذی» پس از اسم «ال» دار به صورت «که» و اسم قبل آن نیز به صورت نکره ترجمه می‌شود. یعنی باید «البرنامج الذی» را به صورت «برنامه‌ای که» ترجمه کنیم. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)] «یبدأ» فعل مضارع است و آن را به صورت «آغاز می‌شود» ترجمه می‌کنیم. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)]

۷۸. «یقبل» فعل مضارع است و به صورت «می‌پذیرد» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۴)] «یُسامحک» نیز ترکیبی از فعل مضارع + ضمیر است و به صورت «تو را می‌بخشد، از تو می‌گذرد» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه (۱)]

۷۹. «لا یستطیع» فعل مضارع منفی است و به صورت «نمی‌تواند» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه (۳)] ضمیر «ها» در «بنهوها» باید به صورت ضمیر یعنی به صورت «ش، آن» ترجمه شود. [ردّ گزینه (۲)] «لا» ی نفی جنس به صورت «هیچ ... نیست، وجود ندارد» ترجمه می‌شود و چون بعد آن «له» یعنی «برای آن» آمده است ترکیب «لا حجه له» به صورت «نیازی ندارد، هیچ نیازی ندارد» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۳)]

۶۵. تجزیه و ترکیب «یتخیل»: فعل مضارع - للغائب (للمفرد المذکر الغائب) - مزید ثلاثی (حروفه الأصلیه ثلاثه و له حرفان زائدان، ماضیه «تخیل» من باب تفعّل) / فعل و مع فاعله جمله فعلیه اشتباه گزینه «۱» و صمیع آن: ماضیه «خیل» من باب تفعیل - ماضیه «تخیل» من باب تفعّل (تَحَيَّلٌ، يَتَحَيَّلُ، تَحَيَّلٌ)

۶۶. تجزیه و ترکیب «یُسبّب»: فعل مضارع - للغائب (للمفرد المذکر الغائب) - مزید ثلاثی (حروفه الأصلیه ثلاثه و له حرف واحد زائد من باب تفعیل) / فعل و مع فاعله جمله فعلیه اشتباه گزینه «۳» و صمیع آن: من باب تفعّل - من باب تفعیل (سَبَّبٌ، يُسَبِّبُ، تَسَبَّبٌ)

۶۷. تجزیه و ترکیب «أقوی»: اسم - مفرد مذکر - اسم تفضیل (علی وزن «أفعل» فعله مجرد ثلاثی و حروفه الأصلیه «قوی») - نکره / صفة للموصوف «إرادة» اشتباه گزینه «۲» و صمیع آن: مضاف إليه للمضاف «إرادة» - صفة للموصوف «إرادة»

۶۸. حرکت «ن» در اعداد عقود (بیست، سی، چهل، پنجاه و ...) همیشه فتحه است. بنابراین اعداد عقود در این گزینه باید به صورت «تسعون و ثمانین» بیایند.

۶۹. صحیح گزینه‌های دیگر:

۱) جمع «ذنب» به معنای «دُم» می‌شود «أذئاب» نه «ذنوب».  
 ۲) «أقدام» به معنای «پاها» است و مترادف آن «أرجل» است نه «رجال».

۳) مفرد «ریاح» می‌شود «ریح» نه «رائحه».

۷۰. «آلات» جمع مؤنث «آلة» است. در گزینه‌های دیگر به ترتیب: «أبیات، أصوات و أوقات» جمع مکسرند.

۷۱. استفاده از ضمیر «ی» در «أفلحنی» اشتباه است چون این فعل، متعدی نیست و لازم است و این «ی» پس از «نون» وقایه و فعل لازم آمده است و به طور کلی، آمدن «نون» وقایه و ضمیر «ی» مفعولی پس از فعل لازم اشتباه است. به ترجمه گزینه‌ها البته بدون «ن» و «ی» توجه کنید تا اختلاف ترجمه گزینه «۲» با بقیه گزینه‌ها برای شما واضح تر شود. ۱) گرامی داشت. ۲) رستگار شد. ۳) نشاند. ۴) باخبر کرد. به غیر از گزینه «۲» همه گزینه‌ها به صورت متعدی ترجمه شده‌اند و به مفعول نیاز دارند.

۷۲. حرف «ن» در «بینی» جزء سه حرف اصلی فعل است و نون وقایه نیست. در گزینه‌های دیگر به ترتیب در فعل‌های «أرسلتنی، أعجبنی و بعدتنی» نون وقایه آمده است.

۷۳. فعل مجهول صحیح در معنی را خواسته است. به ترجمه عبارت و گزینه‌ها دقت کنید: «مردم، نفت را در صنعت به کار گرفتند و زمین با استفاده زیادشان از آن سلامت دور شد و با این کار محیط زیست را تهدید می‌کنند و زندگی در معرض نابودی قرار می‌گیرد.»



۸۷. با توجه به پاراگراف دوم متن، صیادان در زمان قدیم، ارزش و اهمیت مروارید را می‌دانستند به عبارتی دیگر قبل از دیگران ارزش آن را می‌دانستند. پس گزینه «۴» صحیح است.

۸۸. در متن در مورد ارزش مروارید قبل از قرن بیستم صحبتی نشده است و به همین علت گزینه «۳» انتخاب می‌شود.

۸۹. متن در مورد «ارزش» مروارید سخن گفته است.

۹۰. تجزیه و ترکیب «جهز»: فعل ماضی - للغائب - له ثلاثه حروف أصلیه «جهز» و حرف زائد واحد علی وزن فَعَلَ و مصدره «تجهیز» من باب تفعیل / فعل و مع فاعله جمله فعلیه و مفعوله «کل» اشتباه گزینه «۱» و صمیم آن: مصدره «تجهز» من باب تفعّل - مصدره «تجهیز» من باب تفعیل

۹۱. تجزیه و ترکیب «يعرفون»: فعل مضارع - للجمع المذكر الغائب - كلّ حروفه أصلیه و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جمله فعلیه و «أهميته» مفعوله اشتباه گزینه «۳» و صمیم آن: للجمع المذكر المخاطب - للجمع المذكر الغائب / فعل و فاعله «أهميته» - فعل و مفعوله «أهميته»

۹۲. تجزیه و ترکیب «تعيين»: اسم - مفرد مذکر - مصدر علی وزن تفعیل؛ فعله «عين» علی وزن فَعَلَ و له حرف زائد - نکره / فاعل لفاعل «يمكن» و مضاف للمضاف إليه «زمن» اشتباه گزینه «۱» و صمیم آن: جمع سالم للمذکر - مفرد مذکر

۹۳. «مُضَلَّح» اسم فاعل است و بر اساس قانون باید عین الفعل آن یعنی حرف «ل» کسره داشته باشد که به اشتباه آن را به صورت «مُضَلَّح» آورده است. «يُضَلَّح» نیز مضارع باب تفعیل است و باید بر وزن «يُفَعَّلُ» بیاید و عین الفعلش باید کسره داشته باشد اما به اشتباه آن را نیز با فتحه آورده است.

۹۴. «غني» به معنای «بی نیاز، ثروتمند» است اما این بدین معنا نیست که چنین شخصی به کسی کمک نکند و به همین علت اشتباه است.

۹۵. جمع «القرابن» به معنای «قربانی» به صورت «القرابین» صحیح است نه «أقرباء».

۹۶. کلمه «خیر» اگر به معنای «بهتر، بهترین» باشد اسم تفضیل است. اما در این گزینه به معنای «خوبی» است و اسم تفضیل نمی باشد. ترجمه این گزینه: «همانا بچه کوچک تمام خوبی‌ها را در مادرش می‌بیند و به او پناه می‌برد». در گزینه‌های دیگر این کلمه به معنای «بهتر» و اسم تفضیل است.

۹۷. «يُمْنَعُ» فعل مضارع مجهول و ثلاثی مجزء از ریشه «م ن ع» است و هیچ حرف زائدی ندارد و «ی» حرف مضارع است نه زائد. در گزینه‌های دیگر به ترتیب «يُحْرَكُ، نُجْلِسُ و يَمْتَنِعُ» از باب‌های ثلاثی مزید و دارای حروف زائد هستند.

۹۸. در این گزینه «من» شرطیه به معنای «هر کس» و در گزینه‌های دیگر «من» استفهام به معنای «چه کسی» آمده است.

۸۰. «ملاً» فعل ماضی است و به صورت ماضی ساده یا نقلی «پُر کرده، پُر کرده است» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایرگزینه‌ها] ترکیب «کان» + فعل مضارع «یعلم» به صورت ماضی استمراری «می‌دانست، می‌دانسته» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)]

۸۱. «عَوَّدَ» ماضی باب تفعیل بر وزن «فَعَّلَ» است و این باب به صورت متعدی «عادت داده» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۴)] «تقدّم» به معنای «پیشرفت» است و هیچ ضمیری به آن متصل نشده است. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۴)] اگرچه در ترجمه گزینه‌های «۱» و «۳» اختلاف چندانی وجود ندارد اما در مجموع در ترجمه گزینه «۱» از الفاظ بهتری همچون «نمی‌توانیم، به آسانی، وادار کنیم» در مقایسه با گزینه «۳» استفاده کرده است.

۸۲. ترکیب «لم» + فعل مضارع «تتبادل» به صورت ماضی منفی «رد و بدل نشد، رد و بدل نشده‌اند» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)] «سنه واحده» به صورت «یک سال» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)] ترکیب «قد» + فعل ماضی «حدث» به صورت ماضی نقلی «رخ داده است، اتفاق افتاده است» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۴)]

۸۳. ترجمه صحیح گزینه‌های دیگر:

۱- هیچ جامعه‌ای بیشتر از پیشرفت معلمان در آن پیشرفت نمی‌کند.  
۲- استاد گفتگویی را شروع کرده بود و دانشجویان به او گوش داده بودند.

۴- تماشاچیان به ورزشگاه می‌روند و همه بر صندلی‌ها می‌نشینند.

۸۴. ترجمه صحیح این گزینه: «باید زبانمان را به کلام نرم عادت دهیم تا دوستی مردم را به دست آوریم.»

۸۵. فقط با دقت به کلمه «مادر» به پاسخ صحیح دست می‌یابیم. تعریب این کلمه می‌شود «الأم» که فقط در این گزینه به صورت صحیح تعریب شده است. «أمتنا و هذه الأم» که در گزینه‌های دیگر آمده‌اند به صورت «مادران و این مادر» ترجمه می‌شوند.

ترجمه متن: در اوایل قرن بیستم مروارید طبیعی، کمیاب و گرانبها و فقط مختص بزرگان و ثروتمندان بود و قیمت یک قطعه کوچک از آن گاهی اوقات به مبالغی بسیار می‌رسید. در دوره امپراتوری روم گفته می‌شود که یک رهبر، با فروش قطعه‌ای کوچک از مرواریدی که متعلق به مادرش بود تمام سپاهش را مجهز کرد. تعیین اولین زمان استفاده از جواهر مروارید و اینکه چه کسی اولین بار آن را از دریا برداشت کرد ممکن نیست ولی می‌دانیم قبایل قدیمی که در سواحل اقیانوس هند به صید ماهی مشغول بودند اهمیت و ارزش آن را در آن ایام می‌دانستند. و شایسته ذکر است که در دوران امپراتوری بریتانیا فقط به خانواده سلطنتی و ثروتمندان و بزرگان اجازه داده می‌شد که برای خودشان مروارید داشته باشند.

۸۶. موضوع استفاده از مروارید فقط مخصوص پادشاهان نبود و بزرگان و ثروتمندان نیز می‌توانستند از آن استفاده کنند. پس گزینه «۴» صحیح است.

۱۰۹. ترجمه صمیم گزینۀ «۲»: «باران، زیاد نبود تا این که سیل بشود.»

۱۱۰. فعل «عَلِمَ يَعْلَمُ» به معنای «دانست، می‌داند» است. پس در تعریب «بدانند» از این فعل استفاده می‌کنیم. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۴)] «موقّف شوند» مضارع التزامی است و در تعریب آن از حرف «أن» و فعل مضارع استفاده می‌کنیم. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] در تعریب «برنامه‌هایشان» از جمع مکسر + ضمیر استفاده می‌کنیم. پس تعریب آن به صورت «برامجهم» صحیح است. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۴)] ترجمه متن: بدان که هرگاه سلول‌های مغز به کار گرفته نشوند و پی در پی استفاده نشوند حجمشان کم خواهد شد و قدرت و نیروی شان برای کار کاهش می‌یابد. و تمرین فعال سازی سلول‌های مغز از طریق انجام آزمون‌های فکری متنوع اجرا می‌شود، مانند آزمون‌های حافظه و هوش و غیر این‌ها. و آنچه اهمیت دارد این است که این آزمون‌ها، جدید و برای شخص، ناآشنا باشند به گونه‌ای که بر فعال سازی عمل سلول‌ها تأثیر بگذارند و به آن‌ها در رسیدن به سطوح پیشرفته از تفکر و تحلیل کمک کنند. و در این زمینه، خواندن و نوشتن به زبان‌های مختلف نیز کمک میکند و همچنین انجام بعضی بازی‌هایی که به تفکر و تحلیل نیاز دارد مانند شطرنج، به سلول‌های ذهن کمک می‌کند که رشد کنند و بیشتر و بیشتر فعالیت کنند.

۱۱۱. گزینۀ اشتباه را خواسته است و گزینۀ «۴» مشاهده بازی‌های فکری و تحلیلی مانند شطرنج را عاملی در جهت افزایش توانایی‌های مغز دانسته است و اشتباه است به این علت که انجام بازی‌های فکری مانند شطرنج باعث افزایش توانایی مغز می‌شود و فقط مشاهده بازی‌ها باعث آن نمی‌شود.

۱۱۲. با توجه به کلیت متن، کسی که می‌تواند از توانایی‌های مغزی بهره‌بردار همان کسی است که از رویارویی با آنچه که به عقل نیاز دارد دوری نمی‌کند. گزینه‌های دیگر از واقعیت به دور هستند.

۱۱۳. در عبارت سؤال، پرسیده است که تمرین‌های مغز و آزمون‌های عقلی بر روی چه تأثیر می‌گذارد؟ و پاسخ آن، «هر آنچه که مغز به آن می‌پردازد» یعنی گزینۀ «۱» است.

۱۱۴. در متن موجود «چگونگی تأثیر خواندن به زبان خارجی بر کارهای انسان» ذکر نشده است و گزینۀ «۳» به عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌شود.

۱۱۵. تجزیه و ترکیب «تُسْتَعْمَلُ»: فعل مضارع (بمعنی الماضی النقلی بسبب وجود حرف «لم» النافیه) - للغائبه (للمفرد المؤنث الغائب) - حروفه الأصلیه «ع م ل» - ماضیه «استعمل» علی وزن استفعل و مصدره «استعمال» علی وزن استفعال - مجهول / فعل و مع فاعله جمله فعلیه

اشتباه گزینۀ «۳» و صمیم آن: بمعنی الماضی الاستمراری بسبب وجود حرف «لم» ← بمعنی الماضی النقلی المنفی بسبب وجود حرف «لم» النافیه

۹۹. «جزیره» اسم نکره و «لا یکون» وصف از نوع فعل برای آن است. در گزینه‌های دیگر به ترتیب «القليله، ذهبیه، تاریخیته و واحد» وصف از نوع اسم و متفاوتند.

۱۰۰. حصر هنگامی رخ می‌دهد که مستثنی منه، محذوف باشد اما در این گزینه «أحد» مستثنی منه و در عبارت موجود است و حصر وجود ندارد.

### پاسخ عربی رشته زبان ۱۴۰۰

۱۰۱. ترکیب «لم» + فعل مضارع به صورت ماضی ساده یا ماضی نقلی ترجمه می‌شود، پس ترجمه «لم یعلموا» به صورت «ندانستند، ندانسته‌اند» صحیح است. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۴)] کلمه «الزق» مفرد و به معنای «روزی» است. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)] در ضمن در ترجمه گزینۀ «۴» لفظ «خود» اضافی است.

۱۰۲. «السیره الحسنه» ترکیب وصفی و معرفه است و در ترجمه آن نباید از «یک» استفاده کرد. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۴)] در وسط گزینۀ «۳» لفظ «که» اضافی است و نیز «طویلاً» را به صورت صفت برای فعل «تعیش» ترجمه کرده است که اشتباه است.

۱۰۳. «القمه» اسم معرفه و به معنای «قله» است. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)] ترکیب «کان» + فعل مضارع «یتحرک» به صورت ماضی استمراری «حرکت می‌کرد» ترجمه می‌شود. [ردّ سایر گزینه‌ها]

۱۰۴. با ابتدای عبارت می‌توان به پاسخ صحیح دست یافت؛ «من أفضل الطرق» که ترکیبی از حرف جر + اسم تفضیل + جمع مکسر است به صورت «از بهترین راه‌ها» ترجمه می‌شود. [ردّ سایر گزینه‌ها] و با همین مورد به پاسخ صحیح دست یافتیم.

۱۰۵. لام امر بر فعل «نفر» وارد شده است و چنین ترکیبی را به صورت مضارع التزامی با استفاده از لفظ «باید» ترجمه می‌کنیم. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۴)] «نعلم» فعل مضارع است و پس از «حتی» به صورت مضارع التزامی «بدانیم» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)]

۱۰۶. «یعرف» فعل مضارع است و به صورت «می‌شناسد» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «لک» به صورت «برایت، برای تو» و «کلماتها» به صورت «کلمات آن، کلماتش» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینۀ (۳)]

۱۰۷. «یکشفوا» فعل مضارع است و پس از «حتی» ناصبه بر اساس قانون به صورت مضارع التزامی «کشف کنند» ترجمه می‌شود. [ردّ سایر گزینه‌ها] «ل» جازه به معنای «برای» است و ترکیب «للإنسان» به صورت «برای انسان» ترجمه می‌شود. [ردّ گزینه‌های (۲) و (۳)]

۱۰۸. ترجمه صمیم گزینۀ دیگر:

(۱) بهترین برادرانم کسانی هستند که از خودم به من نزدیک‌ترند.  
(۲) بدان که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخن و نرمی آن است.  
(۴) تو بلندمرتبه‌ترین و اخلاق نیک‌ترین چیز در ترازوست.



۱۲۷. در ترکیب «قد» + فعل مضارع از «گاهی، گاه» استفاده می‌کنیم. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «کلمات، شخص و کتاب» نکره‌اند و به ترتیب به صورت «کلماتی، شخصی و کتابی» ترجمه می‌شوند. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۴)] «يَظْهَرُ» فعل مضارع ثلاثی مجرّد و لازم بر وزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» است و ترجمهٔ آن به صورت «ظاهر می‌شود» صحیح است. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۴)]

۱۲۸. «لا يُضَيِّعُونَ» فعل مضارع منفی است و به صورت «تلف نمی‌کنند، تباه نمی‌کنند» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «أوقاتهم» ترکیبی از جمع مکسر و ضمیر است و به صورت «اوقاتشان، اوقات خود» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۳) و (۴)] در ضمن؛ بهترین ترجمه برای «كثير من الناس» و «سنويًا» به ترتیب «بسیاری از مردم» و «سالانه» است.

۱۲۹. «يُمْكِنُ» فعل مضارع و به معنای «امکان دارد» است. [رَدّ سایر گزینه‌ها] ترکیب «لن» + فعل مضارع به صورت مستقبل منفی ترجمه می‌شود و ترجمهٔ «لن تنسى» به صورت «فراموش نخواهی کرد» صحیح است. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۱۳۰. ترجمهٔ ترکیب «قلم العالم و لسانه» به صورت «قلم عالم و زبان او» صحیح است. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «أفضل» اسم تفضیل است و پس از آن، مضاف إليه «الجنود» آمده است و در چنین حالتی اسم تفضیل بر اساس قانون، با لفظ «ترین» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۱۳۱. کلمهٔ «مُشاغِب» به معنای «آشوبگر» است. [رَدّ سایر گزینه‌ها] ترکیب «کان» + قد + فعل ماضی به صورت ماضی بعید فارسی ترجمه می‌شود و هنگامی که با «ما»ی نفی نیز همراه شود به صورت ماضی بعید منفی ترجمه می‌شود؛ بنابراین ترجمهٔ «ما کان قد فکّر» به صورت «فکر نکرده بود» صحیح است. [رَدّ گزینه‌های (۳) و (۴)] «يقوموا» فعل است و ترجمهٔ آن پس از «أن» به صورت مضارع التزامی «عمل کنند» صحیح است. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)]

۱۳۲. «أهمّ» اسم تفضیل است و پس از آن، مضاف إليه «العوامل» آمده است و در چنین حالتی اسم تفضیل بر اساس قانون، با لفظ «ترین» ترجمه می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۴)] «تؤثّر» فعل مضارع است و به صورت «تأثیر می‌گذارد» ترجمه می‌شود. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

۱۳۳. ترجمهٔ صحیح گزینه‌های دیگر:

- (۱) گاهی خودمان را به کاری خوب و بد عادت می‌دهیم،
- (۲) و تغییر آن مثل بیماری‌ای که هیچ درمانی ندارد می‌شود،
- (۳) و بدون اراده به سوی آن جذب می‌شویم،

۱۳۴. ترجمهٔ صحیح گزینه‌های دیگر:

- (۱) برادرم نزدیک بود گریه کند زیرا درد شدیدی داشت.
- (۲) خوش به حال کسی که از هرچه در آن احتمال دروغ وجود دارد سخن نمی‌گوید.
- (۴) دانشمندان کسانی هستند که به وسیلهٔ علوم سودمند، عقل‌های مردم را نورانی می‌کنند.

۱۱۶. تجزیه و ترکیب «ينقص»: فعل مضارع (يختصّ بالمستقبل بسبب وجود حرف السين) - للغائب (للمفرد المذكر الغائب) - حروفه أصلية كلّها و ليس له حرف زائد - معلوم / فعل و مع فاعله «حجم» جمله فعلیه

اشتباه گزینهٔ «۲» و صمیم آن؛ بمعنی التزامی بسبب وجود حرف السين - يختصّ بالمستقبل بسبب وجود حرف السين (حرف «س» بر فعل مضارع وارد می‌شود و معنای آن را مختصّ زمان آینده می‌کند.)

۱۱۷. تجزیه و ترکیب «المتنوع»: اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (حروفه الأصلية «ن و ع» فعله: «تَنَوَّعَ» و مصدره «تَنَوَّعَ» علی وزن تفعّل - معرّف بأل / صفة و موصوفها «الاختبارات»

۱۱۸. کلمهٔ «امتحان» مصدر باب افتعال است و دقیقاً باید بر همین وزن بیاید؛ پس به صورت «الامتحانات» صحیح است نه «الامتحانات». «تُسَاعِدُ» نیز مضارع باب مفاعله است و بر وزن «يُفَاعِلُ» به صورت «تُسَاعِدُ» می‌آید نه «تُسَاعِدُ».

۱۱۹. گزینهٔ «۱» اشتباه است زیرا در توضیح «تراکتور» گفته است «خودش را بر روی زمین می‌کشد».

۱۲۰. «التُّرَاثُ» به معنای «میراث» است و مفهومی گسترده تر از «ارثیه» دارد و به همین علت اشتباه است.

۱۲۱. «أسوأ» به معنای «زشت تر» تنها اسم تفضیل این عبارت است. در هر سه گزینهٔ دیگر، دو اسم تفضیل وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: «الحُسنی، خیر، أثقل، أعلى، أفضل و شَرّ»

۱۲۲. کلمهٔ «ما» در این گزینه ادات نفی نیست بلکه اسم موصول و به معنای «آنچه، چیزی که» است.

۱۲۳. لام امر بر فعل مضارع وارد می‌شود و معنای «باید» می‌دهد. به ترجمهٔ گزینهٔ «۴» دقت کنید: «به راستی که جوجه برناکل باید سقوط کند وگرنه پرواز کردن را یاد نمی‌گیرد.» لام در گزینه‌های دیگر معنای «تا اینکه» می‌دهد و لام امر نیست.

۱۲۴. در گزینهٔ «۲» اسلوب شرط موجود نیست و «مَنْ» اسم استفهام است.

۱۲۵. «يَجْتهد» فعل مضارعی است که اسم نکرهٔ پیش از خود را توصیف می‌کند و صفت از نوع فعل است. اما در گزینه‌های دیگر به ترتیب: «المتعدّده، الكبير و النَّاجح» صفت از نوع اسم‌اند و به همین علت، نوع صفت متفاوت است.

## پاسخ عربی فارغ از کشور ۱۴۰۰

۱۲۶. «يوم» اسم نکره و به معنای «روزی» است. [رَدّ گزینه‌های (۲) و (۳)] «بيع» نیز به معنای «فروش» است. [رَدّ سایر گزینه‌ها] در ضمن؛ بهترین ترجمه برای «أنفقوا»، «رزقناکم» و «أن يأتي» به ترتیب: «انفاق کنید»، «به شما روزی دادیم» و «بیاید» است.

۱۴۲. **۳۲** تجزیه و ترکیب «مجموعه»: اسم- مفرد مؤنث- اسم مفعول (من فعل «جَمَع») - نکره/ مضاف إليه اشتباهه گزینۀ «۳» و صمیغ آن: معرفه ← نکره (اسم علم یا «ال» دار نیست بنابراین نکره است.)

۱۴۳. **۳۲** حرکت «ن» در اعداد عقود (بیست، سی، چهل، پنجاه و ...) همیشه فتحه است. پس «ثمانون» صحیح است نه «ثمانون».

۱۴۴. **۳۲** «الصَّحْفَى» به «نویسنده روزنامه» یا همان «روزنامه نگار» گفته می‌شود و نه به کسی که همیشه روزنامه همان روز را می‌خواند و گزینۀ «۱» به علت توضیح نامتناسب، اشتباه است.

۱۴۵. **۳۲** صحیح گزینه‌های دیگر:

(۲) «رَفَصَّ» متضاد «قَبَلَ» است نه مترادف آن.

(۳) متضاد «العلم» کلمۀ «الجهل» است نه «الجاهل».

(۴) «صدیقه» مؤنث است و جمع آن «صدیقات» است نه «أصدقاء».

۱۴۶. **۳۲** «خَیر» اگر به معنای «بهتر، بهترین» باشد اسم تفضیل است. به ترجمۀ گزینۀ «۴» دقت کنید: «در هر چیزی، خوبی و زیبایی است، آن دو را مشاهده نمی‌کنی مگر آن که به آن دو توجه کنی.» در این گزینه «خَیر» به معنای «خوبی» است و اسم تفضیل نیست.

۱۴۷. **۳۲** «نون» و قایه «نون»ی است که پس از سه حرف اصلی فعل و قبل از ضمیر «ی» مفعولی می‌آید؛ مانند «تُصَدِّقُنِ» که «نون» و قایه پس از سه حرف اصلی «ص د ق» و قبل از «ی» آمده است. در گزینه‌های دیگر به ترتیب در «ثَبْنِی، بَیِّنِی و یتَمِّئِی» حرف «ن» جزء سه حرف اصلی فعل است و «نون» و قایه نیست.

۱۴۸. **۳۲** «ما» در این گزینه اسم موصول و به معنای «آن چه» است. به ترجمه اش دقت کنید: «آنچه این اتاق نیاز دارد، کتابخانه کوچکی است که در آن بعضی کتاب‌ها باشد.» در گزینه‌های دیگر «ما» ی نفی آمده است که فقط معنای فعل پس از خودش را منفی می‌کند.

۱۴۹. **۳۲** مفعول مطلق، اسمی است که پس از فعل هم ریشه می‌آید و اگر بخواهیم مفعول مطلق نوعی را تشخیص دهیم باید توجه کنیم که پس از آن باید صفت یا مضاف الیه بیاید. در گزینۀ «۱» اسم «مدحاً» پس از فعل هم ریشه «مدح» آمده است و «جَیِّداً» نیز صفت آن است و مفعول مطلق نوعی است.

۱۵۰. **۳۲** هنگامی که مستثنی منه در جمله محذوف باشد معنای حصر از آن قابل برداشت است. به ترجمۀ گزینۀ «۴» دقت کنید: «نتوانستند امسال به حج بروند [افرادی] به جز حاجیانی که توان مالی داشتند.» همان طور که مشاهده می‌کنید در ترجمۀ فارسی، جای خالی کلمه‌ای مثل «افرادی، اشخاصی و ...» احساس می‌شود و نتیجه‌اش این است که در عبارت عربی مستثنی منه، محذوف و اسلوب آن حصر است.

۱۳۵. **۳۲** کلمۀ «استاد» به صورت «الأستاذ» تعریب می‌شود. [رَدّ گزینه‌های (۱) و (۲)] «امتحان» نیز به صورت «الامتحان» می‌آید. [رَدّ سایر گزینه‌ها]

ترجمۀ متن: انسان گاهی اوقات احساس می‌کند به غم و اندوه دچار شده است، بنابراین توصیه می‌شود که برخی کارها را انجام دهد؛ از جمله آنها: ۱- صحبت کردن با خانواده و دوستان، زیرا انسان هنگامی که احساس می‌کند هم نشین مجموعه‌ای از دوستانی است که دوستش دارند احساس قدرت و توانایی اش بیشتر می‌شود.

۲- روی آوردن به ورزش در بعضی حالات، زیرا آن احياناً بر فعالیت ماده‌های شیمیایی در بدن، مشهور به ماده‌ خوشبختی تأثیر می‌گذارد و این برای بعضی از این افراد، مفید است.

۳- گوش دادن به صداهای آرامش بخش و دوست داشتنی مانند قرآن و صداهای طبیعت و موسیقی، زیرا آن، آرامش را در انسان زیاد می‌کند همچنان که در کاهش فشار خون و بهبود ضربان قلب کمک می‌کند.

۴- نوشتن دلایل ناراحتی و اندوه، زیرا آن در کاهش دردها مفید است.

۱۳۶. **۳۲** با توجه به متن و واقعیت جهان هستی، هیچ چیزی دائمی نیست و اینکه «انسان، همیشه احساس غم و اندوه کند.» صحیح نیست.

۱۳۷. **۳۲** یکی از توصیه‌های متن، صحبت کردن با دوستان است و گزینۀ «۳» که «صحبت کردن با دوست خوب را باعث احساس قدرت» دانسته است به عنوان پاسخ صحیح انتخاب می‌شود.

۱۳۸. **۳۲** با توجه به مفهوم کلی متن، گزینۀ «۱» یعنی «با تنبلی هیچ آرامشی وجود ندارد» انتخاب می‌شود.

۱۳۹. **۳۲** با توجه به توصیه دوم متن که در آن، ورزش را برای بعضی مبتلایان مفید دانسته است گزینۀ «۱» متناسب با آن و صحیح است. به ترجمۀ این گزینۀ پس از جاگذاری کلمات توجه کنید: «به راستی پژوهش‌های دانشمندان تأکید می‌کند که ورزش در بهبود بعضی بیماران و نه همه آنها تأثیر دارد.»

۱۴۰. **۳۲** تجزیه و ترکیب «تَوَثَّرَ»: فعل مضارع- للغائب (للمفرد المؤنث الغائب)- له ثلاثه حروف أصلیه «أ ث ر» و حرف واحد زائد- فعله الماضی «أَثَّرَ» علی وزن «فَعَّلَ» و مصدره «تَأَثَّرَ» علی وزن تفعیل/ فعل و مع فاعله جمله فعلیه

اشتباهه گزینۀ «۲» و صمیغ آن: ماضیه «تَأَثَّرَ» علی وزن تفعَّل ← ماضیه «فَعَّلَ» علی وزن «أَثَّرَ»

۱۴۱. **۳۲** تجزیه و ترکیب «یُسَاعِدُ»: فعل مضارع- للغائب (للمفرد المذکر الغائب)- له ثلاثه حروف أصلیه «س ع د» و حرف واحد زائد- ماضیه «سَاعَدَ» علی وزن فاعل و مصدره «مَسَاعَدَه» علی وزن مفاعله/ فعل و مع فاعله جمله فعلیه

اشتباهه گزینۀ «۳» و صمیغ آن: حروفه کلها أصلیه و لیس له حرف زائد ← له حرف واحد زائد (باب مفاعله است و این باب یک حرف زائد دارد که «الف» است.)